

**نظامی گری و ارتجاع سیاسی**

دکتر بنائی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامہ و بودجه طی مباحثاتی که در مطبوعات ۱۴ دیماه منتشر شد، اعلام کرد که "ولایت بودجه سال آینده به جنگ و تقویت بنیه ارتش و تولید منابع داده شده و پس از آن تزیینات و گسترش منابع تولیدی، کشاورزی و صنعتی توجه شده است" این گفتار یک مقام مسئول امور اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، بیان خط و مشی عمومی دولت در زمینههای اقتصادی و سیاسی در یک سال آینده است.

اولیاتی که رژیم جمهوری اسلامی در بودجه سال آینده خود به هزینههای جنگی اختصاص داده است، دروجه سیاسی بیان گرایش به میلیتاریسم و نظامیگریست که از سرشت فدا خلقی رژیم و سیاستهای تجاوز - کارانه و ماجراجویانه آن ناشی میگردد. اساسا در جوامع سرمایه داری، دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی بر یک مائش نظامی مستثنی است تا طبقه حاکم با تکا آن از یکسوتوده های تحت ستم را در انقباد نگاهدارد، و از سوی دیگر در خدمت سیاست های تجاوزکارانه و ماجراجویانه آن قرار گیرد. هر آنچه که نظام سرمایه داری - گندیده تر و پوسیده تر میگردد، هر آنچه که تضادهای طبقاتی از حدت بیشتری برخوردار میگردند، هر آنچه که بورژوازی در برابر نیروهای بالنده و سیر پیشرونده تاریخ بیک نیروی ارتجاعی تر تبدیل میگردد، رشد این دستگاه انگل که هزینه های آن

بقیه در صفحه ۲

**بیست و سومین سالگرد  
انقلاب کوبا گرامی باد**



۱۱ دیماه (اول ژانویه) سالگرد انقلاب کوبا است. سالگرد انقلابی که در ۲ دسامبر ۱۹۵۶ (۱۲ آذر ۱۳۳۵) با حمله مسلحانه فیدل کاسترو و ۸۰ چریک انقلابی، بوسیله کشتی کوچک موتوری "گرانما"، به یکی از سواحل کوبا آغاز شد و در اول ژانویه - ۱۹۵۹، فرار با نیستا دیگنا تورگوبا و ورود نیروهای انقلابی به هاوانا با پیروزی رسید.

سرنگونی رژیم دیکتاتوری و تصرف قدرت توسط انقلابیون در کوبا، برای کوبا نشان به مفهوم آغاز مبارزه ای بس بزرگتر بود، مبارزه علیه توطئه های

بقیه در صفحه ۴

**ارزیابی ذمیت حاکم پر توده ها**

- آبان و آذر ۶۰ -

مشخصه اصلی این مقطع، که ارمیان صدها گزارش و خبر که به دست ما رسیده است - جمع بندی شده عبارتست از شکل گیری حرکات جنبی مبارزاتی، بروز نسبتا علنی اعتراضات و بحثهای سیاسی، خود بخودی بودن اشکال مقاومت و مبارزه - توده ها، گمانالیز شدن ختم و کین توده ها، سوی خمینی، پاسدارن و چاچوان رژیم، عدم حضور فعال پیشرو در مبارزات توده ها.

بقیه در صفحه ۱۱

در این دو ماهه سیر سریع تحولات تا شیر خود را بر ذمیت حاکم پر توده ها نیز بر جای مینهد. انقلاب نه تنها در عمق که در سطح نیز جریان مییابد و سیر رو به رشد مبارزات و اعتراضات توده ها وارد مراحل عالیتری میگردد. شاره های انقلاب از بس خاکستر رعب و وحشت سر میزند. توده ها با ردیگر آرام آرام وارد میدان میشوند، جو رعب و وحشت تضعیف میگردد و نشانهای بی شکستن آن در گوشه و کنار نمود مییابد.

**ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی**

**سخنی کوتاه با اقلیتهای مذهبی**

تشدید ستم و گناه های بود ستمگران را روا میشد، آنان تا همدردند که با دیگری تنها باید تمامی مطالب و دستمهای طبقاتی، تمامی سرکوشها و ددمنشیهای رژیم جمهوری

بقیه در صفحه ۱۳

اعمال و حشایه رژیم جمهوری اسلامی اینک سربه عنوان زده است، این مسائل در رابطه با تمامی اقشار و طبقات خلق نمایان است. اقلیتهای مذهبی نیز از این قائده مستثنی نیستند. اقلیتهای مذهبی از شروع حکومت جلادان جمهوری اسلامی شاهد

**تبلیغ و چگونگی پیش بردن دومراکز تجمع توده ها**

صفحه ۵

**در این شماره**

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- مردم چه میگویند؟ مردم...
- نقد و بررسی یک گزارش
- گزارشهای روسستانی

### نظامی گری و ارتجاع سیاسی

بقیه از صفحه ۱

مستقیماً برگزیده زحمتکشان جامعه قرار - دارد و گرایش به میلیتاریسم در سیاستهای بورژوازی بیشتر می گردد.

واقعی است که این ویژگی بورژوازی و دولت های امپریالیستی به عالی ترین وجه خود نمود می یابد و هم اکنون میلیتاریسم بعنوان جزء لاینفک نظام اقتصادی و سیاسی دول امپریالیستی برآمده است اما این گرایش در دولت های ارتجاعی حاکم بر کشورهای وابسته و تحت سلطه در سطحی دیگر نمود می یابد.

پیش از بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی رژیم ارتجاعی شاه در جهت پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته و حفظ حراست از منافع امپریالیستها در منطقه خاور میانه و بقاء موجودیت ننگین سلطه شدت به میلیتاریسم و نظامی گری گرایش یافته بود. رژیم مزدور شاه که علاوه بر سرکوب توده های زحمتکش و تحت ستم ایران نقش ژاندارمی منطقه و سرکوب جنبشهای انقلابی ملل تحت ستم منطقه را نیز بر عهده گرفته بود، مدام در جهت تقویت ارگانهای سرکوب بویژه ارتش گام بر میداشت. این ماشین عظیم سرکوب همه ساله بخش عظیمی از درآمد های ملی را می بلعید و فشار را بر هزینه های نظامی که بخشی از آن مستقیماً بحیثیت انحصارات امپریالیستی میرفت و بخش دیگر آن غیر مستقیم در خدمت امپریالیسم و منافع آن قرار داشت، توده های مردم را به مبارزه علیه این سیاستها برانگیخت و یکی از خواسته های سرحق مردم در انقلاب نه تنها گسست کامل با هرگونه میلیتاریسم بلکه امساک در هم شکستن ماشین ارتش بعنوان ابزار سرکوب بورژوازی و امپریالیسم بود که بعنوان یک موجود انگل همه ساله بخش عظیمی از درآمد ملی را به هزینه های سران خیانتکار جمهوری اسلامی و در رأس آنها خمینی که پیش از بقدرت رسیدن خود به مردم وعده میدادند که با برافروختن رژیم شاه با سیاستهای میلیتاریستی او نیز قطع رابطه خواهد شد و دیگر مردم ایران مجبور نخواهند بود همه ساله بخش عظیمی از درآمد خود و ثروت ملی را به هزینه های گرفتند بلکه در تقویت سیاستهای ماجراجویانه انگل - اختتام دهند پس از کسب قدرت دنیا به ما هیت ضد خلقی خود.

نه تنها بخاطر طرفه موجودیت خود و نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم، این دستگاه انگل را حفظ نمودند و از نابود شدن سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی خود جویند و تنها وزکرا نه پان اسلامیتسی خود، هزینه های با زهم بیشتری را به این دستگاه نظامی اختصاص دادند. رژیم - جمهوری اسلامی نه تنها از هزینه های نظامی نکاست بلکه با گسترش این موجود انگل که اینک علاوه بر ارتش، شهر با نسبی و ژاندارمری و ... سپاه پاسداران و کمیته ها و ... نیز پیمان افزوده شده است بخش دیگری از درآمد ملی را با این موجود انگل اختصاص داد و در تقویت سیاستهای ماجراجویانه خود که بحکم با دولت عراق انجام میداد، هم اکنون در وضعیت قرار گرفته است که خود را مجبور می بیند که آشکارا و به راحتی اعلام کند، که در بودجه سال آینده و لویات هزینه های نظامی اختصاص یافته است. البته سران رژیم جمهوری اسلامی می کوشند تا چنین وانمود کنند که گویا اختصاص بخش عظیمی از - درآمدهای ملی به هزینه های نظامی، تنها از مقتضیات شرایط جنگی موجود ناشی میگردد. اما گرچه در این گفتار - واقعیتی نیز نهفته است، اما این جنگ از یکسوی آن سیاستهای ماجراجویانه و تجار و زکرا نه پان اسلامیتسی رژیم جمهوری اسلامی است و از سوی دیگر - ما هیت ضد خلقی رژیم و گرایش آن بسوی نظامی گری اختصاص این هزینه ها را با مور نظامی اجتناب ناپذیر می یازد. حتی اگر جنگ کنونی نیز پان یافته بود، با زهم ما تا حد اختصاص بودجه های کلانی به امور نظامی می بودیم، زیرا که این امر از ما هیت سیاستهای داخلی و خارجی رژیم، سرکوب توده های مردم در داخل و کمک به ارتجاع منطقه، سیاستهای ماجراجویانه پان اسلامیتسم و از غفلت انگلی دولت ناشی میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی در عمل دامنه دهنده همان سیاستهای رژیم شاه است، و تردیدی نیست که اختصاص بخش عظیمی از بودجه مملکتی به امور نظامی بمعنای سرازیر کردن بخشی دیگر از ثروت های ملی بحیثیت انحصارات نظامی - امپریالیستی محسوب میگردد. مشی عمومی دولت در زمینه های اقتصادی و سیاسی که در بودجه سال آینده انعکاس یافته است، نتیجه ای جز تشدید فقر و فلاکت عمومی در بر نخواهد داشت. برادر حالی که جامعه با یک بحران اقتصادی

مزمین و ژرف روبرو شده در حالیکه بیگاری فقر و گرانگی کمبود ما محتاج مردم امساک و حشمتاکی بخود گرفته است، در حالیکه صنایع در رکود مطلق بسر می برند، و بحران صنعتی مداوم به صیقله های دیگر زندگی اقتصادی گسترش می یابد و بحران در - کشا و رزی گسترش می یابد، اختصاص بودجه های کلان به هزینه های نظامی و اختصاص هزینه های ناچیز به تولیدات صنعتی و کشا و رزی نتیجه ای جز تلاش سراسر نظام اقتصادی و نا بودی هر چه بیشتر نیروهای مولد در بر نخواهد داشت. رشد میلیتاریسم و گرایش به نظامی گری که بنحوی با زرد بودجه دولت انعکاس یافته است، بپیوند میان گرایش به قهر و سرکوب و ارتجاع سیاسی را که در سلب هر گونه دمکراسی استعکاس می یابد و در نهایت هزینه های نظامی و تقویت دستگاههای سرکوب مادی دولت نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که حکومت خود را بر پایه قهر و سرکوب، سلب استبداد و تریب حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی توده های مردم قرار داده است، رژیم بی چفایت - ارتجاعی است که بپیوند میان این سیاستهای خود را با تقویت دستگاههای سرکوب و گرایش به نظامی گری را در بودجه سال آینده منعکس ساخته است. ارتجاع سیاسی و گرایش به میلیتاریسم، دوجز لاینفک سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد.

از این رو اختصاص بودجه های کلان به امور نظامی بیکار دیگران واقعیت را با ثبات میرساند که تنها راه نجات توده های مردم از ارتجاع حاکم و فلاکت اقتصادی نه تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بلکه درهم شکستن تمامی ماشین دولتی بورژوازی و رکن اساسی آن ارتش و تمام ارگانها و نهاد های مادی سرکوب آنها بر این اساس است که توده های مردم از ترس هزینه های نظامی نجات می یابند اما تنها یک طبقه و آنهم طبقه کارگر است که قادر است ماشین دولتی حاکم و اس و اساس آن یعنی ارتش و بیوروکراسی را که همه ساله بخش عظیمی از ثروت ملی و درآمد ملی را می بلعند درهم شکند، و جامعه را از شر این موجودات انگل که حیات آنها بسا حیات طبقات استعما رگر پیوند دارد، نجات بخشد.



### نیست و سومین سالگرد

بقیه از صفحه ۴

افراد خانواده به کار در مزرعه سپردند و شبها به تما می آنها خواندن و نوشتن را بسا موزد، از آنجا شیکه تعداد دشمنان از سالمندان دارای چشمانی غیر عادی بودند، این افراد بوسیله پزشکانی که سهمین منظور سبب شده بودند متعاقباً به و در نتیجه بیش از صد هزار عینک در اختیار آنان قرار گرفت. همزمان با آغاز اجرای طرح عظیم و سراسری، امپریالیسم آمریکا دست به یک تهاجم نظامی از طریق "خلیج خوکها" علیه کوبا زد. این حمله توسط نیروهای مسلح انقلابی و آمادگی تمام خلقی ظرف ۲۲ ساعت دفع شد و پیش از هزار کوبانی شمعی مزدور آمریکا

دستگیر شدند. بلافاصله اجرای طرح مجدداً آغاز شد و پس از گذشت نه ماه تمام خلق کوبا فریاد دبر آورد که "ما پیروز شدیم چرا که دیگر بیسوادی در این کشور نبود. طی حدود دو سال پس از انقلاب، یک میلیون روستایی بیسوادی خواندن و نوشتن آموختند. و نیز صدها هزار دانش آموزان دانشجویان کنونی کوبا را تشکیل میدهند. فرصت یافتند تا دیوار سیاه موجود میان شهر و روستا را در هم کوبیدند، فقر و ستم و ایدر تهیدستان را بمن کشند و بیست سال آ ماده بدبیشترش و فهم ما ر کسیم - لنینیم کردند. و اکنون تمامی خلق کوبا اذعان دارند که اگر چه بیست سال قبل همگی شان کمونیست را نیا موخته بودند، اما این مهم سرپا به قدرت و کوشش خستگی ناپذیر ما ر کسیمتها

شی انجام گرفت که در وزارت آموزش و پرورش، برنا مریزی و پیشبرد امور را بر عهده داشتند.

در سال ۱۹۶۸، معیار حداقل سواد از توانایی خواندن و نوشتن به اخذ مدرک - شتم ابتدایی ارتقا یافت. در سال ۱۹۷۶ از نه میلیون نفر جمعیت کوبا، ۶۰۰ هزار کارگر، دهقان و ما هیکیز در حال اخسند مدرک سیکل اول و دیپلم متوسطه بودند و بیش از ۲۸٪ از دانشجوین و فرا زندان کارگران تشکیل میدادند.

در شما ره آینده دریا ره برتا مه بهداشت سوبالیمستی در کوبای انقلابی، هم چنین چگونگی ایجاد ارتش خلقی برای حفظ دستا وردهای انقلاب و مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا سخن خواهیم گفت.

# استقلال - کسار - مسکن - آزادی

### مبارزات کارکنان گاز منطقه حدفاصل اهواز - آغا جاری

در تاریخ ۶۰/۸/۳۰ رئیس منطقه گاز خوزستان بناها شمی که سابقه سابقه واکسی بودن او سال گذشته توسط یکی از گروه های سیاسی افشاء شده بود برای بازدید به کارخانه آمده بود چون بدلیل شرایط جنگی حاکم بر اهواز و پراکنده بودن منازل مسکونی کارگران سرویس رفت و آمد کارگران و کارمندان چند دقیقه بعد از وقت اداری به کارخانه میرسد لذا دستور داد تا برای رسیدگی به این مسئله رئیس روابط کارکنان که معاون منطقه نیز می باشد در رئیس عملیات که این دونفر فوق الذکر بدون داشتن صلاحیت و سابقه کار کافی بدلیل اینکه از اعضای انجمن اسلامی هستند، اخیراً این سمت را اشغال کرده اند و همچنین رئیس اداره عمل و نقل و رئیس کل اداره تعمیرات و رئیس خدمات فنی روز بعد یعنی در ۶۰/۹/۱ به کارخانه آمده و این مسئله را رسیدگی نمی نمایند. در تاریخ ۶۰/۹/۱ کلیه افرادی که مرده یا لایه کارخانه آمده و کارگران و کارمندان نیز خود را آماده پاسخگویی به آنها نمودند. در این جلسه مسائل مختلفی مطرح گردید، ابتدا مسئله رفت و آمد کارکنان مطرح شد که رئیس منطقه میگفت کارگران و کارمندان اگر نمی توانستند بموقع به کارخانه بروند یا در روز صبح ساعت پنج خود را به محل اداره مرکزی شرکت واقع در فلکه چهار شیر برسانند، یکی از کارگران در جواب گفت: همیشه ما شین ما را از جلوی خانه ها بمان سوار میکنند و اکنون بدلیل اینکه کارکنان پراکنده هستند و جنگ است یکی از شرق اهواز دیگری از جنوب اهواز سوار میشوند و سرویس های جمع آوری کارگران را هم شما قطع کرده اید. در نتیجه اگر ۲ ساعت هم قبل از وقت سوار بشویم یا زسروقت نمی رسیم و حالاهم که شما میگویید ما شین نباید در خانه کسی برود یا بدیدانی که این امکانات را ما طوسی سالها میبازریم بدست آورده ایم و حالاهم که شما نمی دهید شما براحتی از ما بگیرید بلکه با بدسرویس ها را اضافه نمائید تا ما بتوانیم بموقع سرکار برسیم. بعد از بحث وجدل های فراوان سرانجام کارکنان و کارمندان موفق شدند که همان طور طبق برنامه سابق خود سرکار برسانند و رئیس منطقه هم مجبور شد دو دستگاه دیگر یعنی بوس به سرویس کارکنان اضافه نماید. مسئله دیگری مطرح شد مسئله مسکن کارکنان بود. و ایل جنگ کارگران و کارمندان ساکن اهواز توانسته بودند بدلیل شرایط جنگی در اهواز شرکت را مجبور نماید بنده که به هر کارگری کارمند یک اطاق از مهمان سرا میبازریم. و اگر در نما بدت کسانیکه خانوادها ایشان در مسناتپی است که بیشتر مورد حمله قرار میگیرند خانوادها را خود را به میان نگو (آغا جاری) بپروند ولی بعد از چند ماه رئیس منطقه فوق الذکر که تازه به این منطقه آمده بود حدود ۵ ماه پیش بخشنا می ای ما در نمودن طوسی آن به همه کارکنانیکه در میان نگوه اطاق گرفته اند اخطا کرد که چنانچه اطاقهای میان نگوه را تخلیه نکنند و خانوادها ایشان را به اهواز برسانند از هر کد ام روزانه ۱۶۰ تومان از حقوقشان



### جشن گاوگرمی

برمیدارند و کارگران هم بدلیل اینکه خانواده ها ایشان در اهواز مینندند اشتند و دانشما "اهواز مورد حمله شوپخانه قرار میگیرد و ضربه انجام یکنار نمی شوند و از طرفی بهیچ وجه قادر به پرداخت روزانه ۱۶۰ تومان نیز نبودند کشمش و تهدیدهای رئیس منطقه ادامه داشت تا بالاخره رئیس منطقه در این ماه حساب داری را تحت فشار قرار داد و از بیم کارگران مقداری از حقوقشان را برداشت نمود. کارگران که از این کار رشتند خشمگین و عصبانی بودند رئیس منطقه را مورد حمله شدید قرار داده و حتی نزدیک بود او را کتک بزنند یکی از کارگران با میگفت: بی انصاف من همه اش حقوقم روزی ۱۳۰ تومان است و آنوقت تو گفته ای روزی ۱۶۰ تومان از آن کم کنند پس من به چه ها می چه بدم بخورند. دیگری میگفت ما همه میدانیم که شما و اکی هستی و سابقه تو را در کار می دانیم و حالاهم لایمی شده ای و همان روش ضد کارگری را دنبال میکنی. بالاخره یک روز نوبت ما هم میرسد آنوقت میدانی ما مثال توجه باید کنیم. دیگری میگفت: تو همان دزد معروف هستی که حمل و نقل را چا پیدی خیال میکنی ترا نمی شناسیم که حالاهم تو را از ست اسلامی برای ما میگیری. رئیس منطقه که یک عنصر ضد کارگران است میگفت: همین است هر کس نمی خواهد بفرما بد دنبال کارش در جواب یکی از کارگران که خیلی عصبانی بود در حالیکه به او حمله میکرد گفت پدر سوخته دزد مگر شرکت مال توست شرکت مال ماست و آنرا با پوست و استخوان خودمان درست کرده ایم و حفظ هم میکنیم و اجازه نمی دهیم که شما و اکی دزد ما حب همه چیز بشوید بگوشتی هر کس نمیخواهد بفرما بد دنبال کارش ما بالاخره ترا اگر هزار انجمن اسلامی پشت سرت با شدمی فرستیم دنبال کارت. این گفتگوهای خفونت بار تا ساعت ۱۲ ادامه داشت و بدون تدبیر آمدن نتیجه منضمی رئیس منطقه کارخانه را ترک نمود لیکن کارگران و کارمندان دنبال مسئله را رها نکردند و همچنان با نامه و تلفن خواستار رسیدن دادن حقوقشان بودند تا اینکه دو روز بعد رئیس منطقه بخشنا می ای ما در نمودن برای اینکه برای رسیدگی مسئله مسکن شورا می تشکیل شود و از هر دو راه یک نفر نماینده بیرون و مدیریت هم نمایندگان نمایندگان را بفرستد تا رسیدگی شود. حالاکارگران مجدداً دنبال تشکیل این شورا هستند. (توضیح: تعداد کارکنان این شرکت ۷۰ نفر می باشد)

بندر خمینی اجناس و فشار بر کارگران همچنان سرمدی را طی میکند. بار شما را از جز کارهای سیاسی شنیده - بیشترین فشار را از سوی... سابق تحمل میکنند طبق... و با زخمی سازمان... فقط شما را یک... بگیرد. اخیراً مدیر... که هر بار شما را با... را شما را... اینک... و پرداخت حقوق... از آنجا... و خشتناکی... شما را... فرد خارج است... امری... است. نیز در... به با... میدهند. این... - فرمای... است. کارگری... که ما داریم... ۴۵ تومان... گوشت... کارگر دیگری... اینجا آمده... که در روز... تومان به... ۵۰ تومان... - ام... بفرستم. - تعداد زیادی از... های سر... جبهه... کمبود... معشوری... کارکنان... سریندر... هفته ای... به نگهبانی... اعتراض... اکثریت... نیستیم... در محل کار... آذرماه: کارگران و کارکنان نیروگاه - های برق واقع در... شوتر در... در روز... کرده اند. این... کارگران و کارکنان... تعطیل شدن... از ساعات کار آنها کسر شود. گزارشی از حرکت اعتراضی کارگران - تعمیرگاه شرکت... (واسته به... حدود یک... شرکت که... به نحوه... اعتراض... اضافه کاری... شتای (یعنی... کشتی تخلیه... یک روز مهلت... بقیه در صفحه ۴

## پیشی بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد

امپریالیسم آمریکا که نمی توانست وجود دولتی انقلابی که راه سوسیالیسم را برگزیده بود تحمل کرده و تا هدر شدن نفقه ای پوپا از یک جنبش رهائی بخش در آمریکا لاین باسد، مبارزه علیه تمامی میراث فلاکت بار مالیات های سیاه حکومت دیکتاتوری و تسلط سرمایه های انحصاری بر اقتصاد کشور با مبارزه ای همه جانبه در زمینه انقلاب فرهنگی و اجتماعی در جامعه، مبارزه علیه فئودالیسم و مبارزه جهت برقراری سوسیالیسم، با لافزه کوشش مجدانه برای ایجاد ارتش خلقی که بتواند انحفاظ دیتا وردهای انقلاب بوده و سدی در مقابل هرگونه توطئه ای باشد، بود.

به مناسبت بیست و سومین سالگرد انقلاب کوبا، ما به شمه ای از این تلاش خلق کوبا و مبارزه سرنوشت ساز این خلق مبارز و انقلابی اشاره کرده و گوشه ای از دستاوردهای آنرا مورد بررسی قرار میدهم:

## تثکوفاتی اقتصاد دوسوسیالیستی

دردوران قبل از انقلاب، کوبا دارای اقتصادی تک محصولی یعنی تولیدشکر بود. خریدار عمده این محصول هم کمپانیهای آمریکایی بودند. در پی پیروزی انقلاب انحصارات آمریکایی بمنظور وارد آوردن ضربه به انقلاب و از یاد آوردن آن، از خرید سهمیه سالانه شکر خویش امتناع ورزیدند، در این موقعیت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، با تقبل خرید تمامی محصول شکر کوبا، بیساری این کشور را نجات دادند.

سیاست اقتصادی دولت انقلابی کوبا کاهش تدریجی بخش خصوصی که تا آن هنگام بطور عمده اقتصاد کشور را به زیر سلطه خویش داشت و همگام با آن افزایش قدرت دولت نماینده کارگران و زحمتکشان، در زمینه زمینه های اقتصادی بود. دولت انقلابی کوبا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب تمامی املاک آمریکاییان را ملی اعلام کرد، این امر در مورد کارخانه های مونتاز و وایتینگ به انحصارات امپریالیستی نیز انجام گرفت. در ابتدا تولیدات کشاورزی و صنایع صنایع معمولات مورد نیاز کشور افزایش قابل ملاحظه ای یافت و نتایج این شد که واردات کاهش یافت و احتیاج به واردات خارجی کمتر شد. در مرحله بعد حرکت بسوی ایجاد صنایع مادر یک کشورها را سوسیالیستی صورت گرفت.

در زمینه گشت کارهای کشاورزی، به شوه با اینکه تا پیش از انقلاب زمین های قابل کشت بدون استفاده مانده بودند تولید محصولات نظیر حبوبات، برنج، ذرت، تنباکو، تنیت زمینی و هم چنین برورش دام برای تأمین گوشت (که تا آن هنگام زخارچوارده میشد) به سرعت افزایش یافت. بطوریکه این افزایش از ۲۳٪ تا ۱۴۶٪ را شامل میشد، در مورد صنایع نیز به توجه برداشتن موزون صنایع در بخشهای مختلف و تأسیس تولیدات از انقلاب که بازه تولیدات را پائین می آورد، تنها به کارگیری صحیح و اصولی واحدهای تولیدی موجود باعث شد تا تولیدات صنعتی طی

بقیه از صفحه ۱  
یکسال اول انقلاب ۱۵٪ افزایش باسد. افزایش سریع و فوق العاده تولیدات کشاورزی و صنعتی طی دو سال اول انقلاب این توهم گداز را ایجاد کرد که با افزایش مداوم حجم کار، میتوان بازدهی کار را نیز متداوم افزایش داد. اما در پی گذشت دو سال رشد اقتصادی در شاخص زمینها با عدم کفایت امکانات روبرو شد. بدین معنی که افزایش بازدهی با توجه به منابع موجود، بیش از این میسر نبود. از سوی دیگر کوبا که تصمید داشت تمامی نیازهای داخلی را خود تولید کند، بطور وسیعی اقدام به وارد کردن انواع ماشین آلات ابزار صنعتی و قطعات یدکی و... جهت تأسیس کارخانه های جدید نمود. با توجه به بهای سنگین کارخانه های وارداتی و میزان تولیدات اولیه که بطور طبیعی پائین تر از میزان حداکثر بود، بهای هر قلمی لای تولید شده بیشتر از بهای بود که کوبا میبایستی با زاء وارد کردن آن کالا بردارد. علاوه بر این به دلیل اینکه بخشی از مینرالی که سابقاً زیر کشت نیشکر بوده کشت محصولات دیگر - کشاورزی اختصاص یافته بود محصول شکر هم کاهش یافت. در نتیجه بیلان تجارت خارجی ۱۹۶۱ کاهش درآمدها را نشان میداد.

افزایش در واردات را نشان میداد. رهبران کوبا در مواجهه با بحران اقتصادی سال ۱۹۶۲ ناچاراً بازگشت به اقتصاد تک محصولی را با استراتژی جدیدی پذیرفتند بدین معنی که طبق طرح جدید تمامی سرمایه کاری و نیروی خود را معطوف به تولید شکر کردند. در این حال گسترش دامپورری که در این دوره زمینه امکانات فراوانی در کشور وجود داشت گردید تا مقدماً "شکر کوزی" موازنه برداشتهای کشور را تحقق آید و آنگاه تدریجاً "در زمینه اقتصاد شکر در تولید کشاورزی و تکمیل زیربنای صنعتی کام بردارند.

تنها مسئله کوبا در این مرحله، حصول اطمینان از وجود خریدار دائمی شکر است. شکر بود که در این مورد هم شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به نشانه حمایت سیاسی و نیز با توجه بهای مناسب شکر کوبا، پیشقدم شدند.

پیشتر داده هایی که ذکر شد، همچنان در مورد جزئیات های کوبا قرار داشت و در راه رسیدن به تکمیل یک اقتصاد سوسیالیستی و شکوفایی مسائل و نظریات تازه ای برای دولت و توده ها عنوان شد که نگاه گذرا بر این مسائل ضروری است. توده های محروم کوبا که تا پیش از انقلاب برای بدست آوردن حداقل با محتاج خود مجبور به کار طاقت فرسا بودند پس از انقلاب ناگهان با وضعیتی روبرو شدند که در آن بخش عمده ای از احتیاجات ابتدائی خود یعنی آموزش و بهداشت - مجانی و حداقل خوراک و پوشاک با توجه به وجود فرتوشگاههای تعاونی خلقی و... را بدون نیاز به کار سنگین و طاقت فرسا در اختیار داشتند. در چنین شرایطی دولت انقلابی وظیفه داشت تا عشق به انقلاب و زندگی نوین را به میان توده ها برده تا

آنان با انگیزه ای والا تر به سازندگی بپردازند.

در این زمان بود که دو جریان فکری در مقابل هم قرار گرفتند. نخستین جریان که در رای آن رفیق چه گوارا "قرار داشت معتقد به سازماندهی اقتصادی و بالابردن بازدهی کار برپا به ارتقاء شورویاگامی اجتماعی زحمتکشان بود. دومین جریان که یکی از رهبران حزب کمونیست پیش از انقلاب حامی آن بود معتقد به افزایش بازدهی کار از طریق ایجاد انگیزه های سیستم سرمایه داری یعنی اعمال پاداش - های نقدی، اضافه حقوق و... بود.

مبارزه میان این دو جریان فکری حتی تا مدت ها پس از خروج چه گوارا از کوبا به قصد بلویوی، ادامه یافت و سرانجام در سال ۱۹۶۶ روشی که در کوبا به کار گرفته شده مدتها پیروی از نظر چه گوارا یعنی عدم تکیه به بازایا دلات کالشی و پولی به مثابه زاء مقابله با مشکلات موجود - اقتصاد، بلکی کردن مؤسسات خصوصی اقتصاد، در بخشهای کشاورزی و صنعت و خدمات، یعنی استقلال اقتصادی، مؤسسات جداگانه دولتی و شرکتی، به ریزی و بودجه نویسی، شکار گرفته شدن هر چند دستم سازماندهی، برپا به ریزی اقتصادی جدید نیز غیرتک شکر و تک محصولی، کپرا - با اشکالاتی روبرو میگردد که عمدتاً ناشی از بی تجربگی در برپا به ریزی های صحیح و هماهنگ کردن امکانات کشت برداشت، پلند پروازهای انفرادی بهنگام برپا به ریزی و عدم اطمینان از کار رانشی هر طرح پیش از اجرا و آوردن آن در سطح وسیع بود ولی یک نکته کاملاً روشن شد. آن اینکه کار رانشی که در نظام سرمایه داری و روشهای بالابردنده، بازدهی تولید که در این نظام بکار گرفته میشود عمرشان برآمده است و برای ساختن جا مه ای نوین با اندازه های نو برای مقابله با مشکلات یافت.

## برپا به مبارزه با بسواد و انقلاب فرهنگی

مقدمتات بیکار بزرگ مردم کوبا علیه بسواد، در ۱۹۶۰ آغاز شد. از ۵/۵ میلیون نفر جمعیت کوبا در آن زمان، یک میلیون نفر فاقد سواد بودند و نوشتن نبودند. و این در حالی بود که در سراسر کشورهای پیش از ۲۶ - هزار میلیون وجود داشت و بسوادان اکثراً در روستا های دور افتاده، کوهستان و بی سکوئت داشتند. وقتی سیخ عمومی برای سواد موزی آغاز گشت از کودک ۸ ساله تا بجزن ۱۰۶ ساله دا و طلب دادن آموزش به موهفان بسواد خود شدند. زیاده ترین متخمین تخمین و تربیت گرد آمدند تا کتابی را برای خردیس در سراسر کشور تهیه کنند. از این کتابها ۱/۵ میلیون نسخه چاپ رسید. صدها هزار دانش آموز و دانشجو دا و طلب سفید آردوی ده روزه رفتند تا هم نحوه استفا ده ا کتاب درسی مزبور را بسا موزند و هم خود را برای زندگی در شرایط سخت روستا های فقیر کشور آماده سازند. در نخستین روزهای بهار ۱۹۶۱، هر دانش آموز و دانشجو یک شمار "ما بیروز" مشوبم "ترت یک چراغ توری در دست و پتوئی بردوش به سوی خانه ای در دل کوه های صعب العبور میرفت تا به مدت یکسال در میان یک خانواده روستائی زندگی کند. اومی با بست روزها را با -



# تبلیغ و چگونگی پیشبرد آن در مراکز تجمع نوده ها

بقیه از صفحه ۱

مدهاست صف بعنوان عاملی ثابت جدا نشدنی در زندگی نوده های زحمتکش ما وارد شده است. هر زن و مرد، کارگر، خانه دار، دانش آموز، کارمند، کاسبکار و هر زحمتکشی ساعتی یا بیساعتی از وقت خود را در طول هفته در صف میگذراند. در شرایط کنونی بخصوصی از صفهای تهیه ارزاق و محتاج اولیه میتوان بعنوان یکی از عمده ترین مجامع نوده ای و ملی - ترین کانونهای بحث و اعتراض نام برد. تنها مدت کوتاهی، آنگاه که پراشتر بپوش و حشیا نه رژیم ترس و وحشت برتنامی نوده ها حاکم گشته بود، موج اعتراض و افشاکری در صفها نیز فروگش نمود اما به سرعت برای بار دیگر آغاز شد. این اعتراضات که در ابتدا کما ملاً شکل اقتصادی داشت و بر محور گران و کمبود دور میگردید اینک از سوئی سرپا رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته و در بسیاری موارد به طرح مشخص ارتباط دولت با محتکران، سرمایه داران و تجار و کلاً افشای دولت بعنوان عامل اصلی گران، فقر و بدبختی می انجامد و از سوی دیگر در موارد متعددی به اشکال مقاومت و مبارزه نوده ای از جمله تحصن، تعرض به پاداران و بسیجی ها، ممانعت اجناس و... انجامیده است. (بررسی این اشکال مبارزاتی و همچنین بحث های نوده ها در این رابطه را به دیگر مقالات از جمله "مردم چه میگویند"، و بررسی اشکال مبارزاتی نوده ها و "ارزیابی ذهنیات مردم" و امیگذا ریم)

در این رابطه یادگفت - همانگونه که بارها گفته ایم - صفها اینک یکی از مراکز نوده ای است که با پیدرمار تبلیغ به آن توجه ویژه ای نمود. صفها اینک محلی است که میتوان مبارزات نوده ها را در آن شکل داد، دست و پویا زمان داد و میتوان آگاهي پراکنده خلق را انجام بخشید و آنرا بسوی مبارزه ای سازمان یافته با

رژیم کشانید. توجه به ارتباط در رابطه با صفها قدر است مبارزات پراکنده ای را که به علت نبود تبلیغات انقلابی در شرایط کنونی عمدتاً به هرز میرود و با در حد اعلای خود به پراشگری و با اعمال جرقه - ما نند و بدون تداوم می انجامد را به ندری شکل گرفته در جهت سرنگونی رژیم پهلوی سازد. برای پیشبرد ارتباط تبلیغ در صفها نکات زیر را با دیده دقت مدنظر داشت:

الف: محور تبلیغ: هر چند در هر - شرایط مشخص محور تبلیغی ما را ارگان سازمان - نشر به کار - روشن می سازد اما با پیدرمار با صفها و ویژگیهای زیر را در شرایط کنونی رعایت کنند.

۱- با پدید بحث های موجود را بیش از پیش سیاسی نموده بر روی رژیم متمرکز شود. اینک کمترین هدف است که به راه انداختن بحث نیازی به هدایت و با صرف انرژی داشته باشد. اما سمت دهی بحث از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با پیدایش دولت را در بدبختی های نوده ها به شکل مشخص عریان نمود. در شرایط کنونی حتی افشاکری های بی هدف و بی برنامگی چندان سودی ندارد و تنها نقش یک خبردهی کم اهمیت را ایفا میکند. با پیدار ارتباط مشخص رژیم را با گران و کمبود و غیره و در عین حال ارتباط مشخص سرکوبها و کشتارها و اعدای رژیم با دیگر سیاستهای ضد خلقی اثر از جمله برنامهای اقتصادی را عریان نمود و در این رابطه لزوم سرنگونی دولت را نتیجه گرفت. با پیدار کینه و نفرت مردم نسبت به رژیم را تعمیق بخشیده بر آگاهی و نه احساس استوار نمود. این عمل را میتوان با یکا رگیری - مثالهای متعدد و مشخص انجام داد. نقش پاداران و کمیته ها در تقسیم نا عادلانه اجناس، نقش حاجی های بازار که بسوی مورد حمایت رژیمند و از سوی دیگر بزرگترین عاملین احتکار و کمبود، یکا رگیری

مثالهای مشخصی چون ساله سیگار که در انحصار دولت است اما تماماً از طریق دلالان و محتکرین توزیع میشود... ۲- با پیدار نوده ها ربه لزوم شرکت وسیع در مبارزه واقف نمود: هر چند نوده ها امید خود را از پالاییده اند، و هر چند همواره برای تغییر رژیم دعا میکنند اما هنوز نقش خود و نیرویشان را در این تغییر نمی بینند. با پیدار نوده ها ربه لزوم مبارزه یکپارچه و متحد واقف ساخت. با پیدار نوده ها گفت "بدون نوده ها نمی بسب - هایی اشرف" این عمل را میتوان از سوی با پیدار نوده ها ربه قیام و سرنگونی شاه و تکرار مکرر قدرت نوده ها در آن زمان و از سوی دیگر با طرح مسائلی چون "به سال است از دست صف مینالیم و نی چون حرکتی نگردیم هر روز صفها طویل تر شده... انجام داد. در این مورد با پیدار یکا م نیز نوده ها را همراهی نمود و مبارزات آنان را ارتقاء داد. طرح و پیشبرد اشکالی از مبارزه در رابطه مشخص با هر طرف و هر محله نوده ها را قا در می سازد تا در تجارب عملی و مشخص به قدرت لایزال خود پی ببرند. از این مورد با پیدار مبارزات خود نوده ها آموخت و آنان را ارتقاء داد. در گزارش - اتی که در ماه آذرودی بدست ما رسیده نوده ها به شکل روز افزونی در رابطه با توزیع مواد اولیه و اجناس مورد احتیاج - شان اشکال مبارزاتی چون مقابله با پاداران، ممانعت از توزیع و حتی تحصن در مقابل مرکز توزیع را یکا رستانند.

۳- با پیدار مبارزات نوده ها را سازمان داد، محور دیگر تبلیغ ما را مسئله - سازماندهی مبارزات تشکیل میدهد. جهت پیشبرد این امر از سوئی با پیدار نوده ها، شکل، وحدت، پیشبرد مبارزه ای سازمان یافته و... را وسیعاً تبلیغ کرد. "یکدست مداندازد"، "چوبها تا به هم بقیه در صفحه ۶

**کارگران زحمتکش!**  
بوی رفیع خد اقل نیازهای زندگی شرکتتهای  
فتاوانی با پیدار نوده ها ربه تحت کنترل خود  
کارگران توسط شورای واقفیتی و منتخب  
کارگران باشد. ۶۰۹۱۸  
تاریخ: ۱۱

**تا کسیرانان زحمتکش!**  
در حالیکه بیکاری و گرانیدامنگیرا کثرتیت  
مردم راست رژیم ربه خد خلقی می خواهد با پیدار نوده ها  
توانشی به بیکاری دامن زده و به بهانه نداشتن  
کارت شهری و... مانع کار شما نشود. رژیم  
می خواهد در تا کمیته های اختناق برپا کند  
و رانندگان را به همگاری و آواردها اعتزاض  
رهمه، جانیه و یکپارچه خود قوطنه شوهر رژیم  
را خدشی و از حقوق خویش به دفاع برخیزید.  
مستقیم با پیدار نوده ها ربه خد خلقی و فدائی خلق ایران  
مترک بر طب جمهوری اسلامی. نوده ها ربه شوراهای انقلابی بسوی تشکیل  
مجلس مؤسسان  
مبارزان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
کسیرانان زحمتکش!

**رانندگان مبارز!**  
داشتن کار و آزادی حق مسلم و اولیه شماست.  
با هرگونه قانون فرمایشی به مخالفت برخیزید  
با اتحاد و یکپارچگی شورای واقفیتی خود را بسوی  
آورده و علیه سیاستهای ضد خلقی رژیم خو نوره  
ها کمر بپا خیزید.  
مبارزان سازمان چریکهای فدائی  
خلق ایران - کسیرانان زحمتکش  
۶۰۹۱۸

تبلیغ و چگونگی

بسته بودند نشکستند. مثالهاش از شوراها و انقلابی کارخانجات و پیشبرده امور توسط آنان ...

وزوم تشکل باشد، در اینجا ست گمنام زینه‌های مسا عدجهت شکل گیری ...

ایده‌های مشخص ما را در رابطه با پیشبرد مبارزه بیابان میکنند در آن محلها شوش ...



کمبودهای حیاتی، گران، صرف، سرکوب و زورگویی از این نمی رود مراکز آنکه: به مبارزه برخیزیم، متشکل شویم، و جلوی مزدوران رژیم بایستیم

مردم زحمتکش! هر روز ما متاعی از غربان در صف ها در سرما و گرما طلب می شود و بر زمین مال گوشت نیست ...

راه حل، اتحاد و تشکل است، باید رژیم را سرفکون کرد، یگانه‌سازی به مبارزه برخیزیم

اگر همه اعتراض کنیم، اگر هر کس اعتراض کرد ما بایستیم و اتحاد و تشکل ما است ...

مردم مبارزان!

ما از همه مبارزان بهر آنکه دشمن و دشمنان ما را سرکوب نموده و ما را سرفکون کرده اند ...

جنش کارگری

مستضعفان روز بعد از آنکه کار نمی کردند و بعد از ساعت کار قانونی، تصمیم گاه ...

### رژیم جمهوری اسلامی، حامی زمینداران دشمن دهقانان

دیوارهای شهر فیا دهکشانند "ج" را اجرا کنید: "با اجرای بندج و د" قیود نشودالی را از پای دهقانان باز کنید، "با اجرای بندج و د" ورود فئودال به دهکشنوع، "اجرای بندج و د" ضرورت و حفظ انقلاب است و "برای اجرای بندج و د" دیگر هیچ عذروبهانه ای پذیرفته نیست، "تسلیمات بی امضاء در این باره آنچنان گسترده و گوینده است، که گویی انقلابی در شرف تکوین بوده است، انقلابی در جهت "حل ریشه ای" مساله ارضی مشکلات متعدده دهقانی! گویی قانون اصلاحات ارضی شورای انقلاب تشریحی بوده است که توسط عناصری ناشناخته و مرموز که در درون حکومت لانه کرده اند، به بند کشیده شده و معطل مانده است، و اکنون دیگر - دیوارها میزبان برآمده و فریاد میکشند بر آستانه دیگر هیچ عذروبهانه ای پذیرفته نیست با اجرای بندج و د" - مساله ارضی را بطورزی انقلابی که شو رای انقلاب مقرر کرده حل کنید، دهقانان را از مشکلات تکلیت با رتاریخی برهانید! - تسلیمات این چنین "انقلابی" در باره اجرای امویه "انقلابی" شو رای انقلاب، "اینها نیز قوم" را هم بوحشت افکنده و در حیرت که در ره رای انقلاب و قوانین انقلابی؟! حتما "اشتباه سی روح داده و باید از آن جلوگیری کرد، سران ملت اندیش حکومت نیز کما بر جهت - گیری کلی سیاستان، موقع را مفتنم شمرده و از "افراط کاریهای" مجریانی که نفس قانون را درک نکرده و خود سرانه خواسته اند "انقلابی" انجام وظیفه نمایند به تکلیت برخاسته و اطمینان های لازم در جهت احترام به مالکیت که گویا اجرای خود سرانه بندج بود به آن خدشه وارد - مینموده را داده اند، در این میان عمال مستقیم بزرگ مالکان و روحان فریبی و وابسته به آنها نیز که هر نوع فریبی در مساله ارضی را خدشه دار کردن اسلام میدانند با "کمونیستی" معرفی کردن بندج و د" مقاومت در برابر قانون "انقلابی" اصلاحات ارضی را دامن زده اند، در اینجا آنچه که بین خواستاران پرو پا قرص اجرای بندج و د" و مخالفین سرسخت آن مشترک است، همانا "انقلابی" دانستن "قانون اصلاحات ارضی" است، مسلطین اجرای بندج و د" که نیروی عظیمی را در جهت بردن این قانون "انقلابی" میان مردم و فشار بر هیات حاکمه "انقلابی" و مردمی صرف کرده اند، اجرای دو بند فوق را کلید حل مسئله ارضی دهقانی بندها شده (ویا وانمود کرده) و برای اجرای آن سینه چاک میدهند، - مخالفین نیز با انقلابی دانستن دو بند فوق، و بیان اینکه دیگر "دوران انقلاب" و "هرج و مرج"ها "برآمده و سال" سال قانون و اجرای مقاد قانونی است و نه "انقلابی"، اجرای قانون ضرورتا هر ج و مرج طلبی، "افراط کاری و لگنه دار شدن" دامن مقدس مالکیت خصوصی اعلام کرده و به مجریان اخطار می کنند که اگر از حدود پا فراتر بگذرانند، آنها را مجرم شناخته و "تعقیب قانونی" و "تعدیل شرعی" میکنند، خلی کلام هر دو جریان این است که بندج

و د" انقلابی است و اجرای آن و تغییر در تحولاتی بنیادین در روستاها را در پی دارد، آیا برآستی این چنین است؟ آیا قانون اصلاحات ارضی شورای انقلاب، برآوستی صلیبین آن (توده ای ها) اکثریتی های راست و... تشریح است که توسط عناصر متشکوک و غیر قابل اعتماد درون هیات حاکمه به بند کشیده شده است؟ ما مکررا "دو کار" برده از با هیات رفرمیستی قانون اصلاحات ارضی - کشیده ایم و دلالتی که هیات حاکمه "د" انقلابی را و دادا به تصویب آن نمود (الست فقط تصویب و نه اجرا)، فاظر نشان کرده ایم، اما از آنجا که این مسئله هنوز بصورت مختلف در سطح جامعه مطرح است و بوسیله رفرمیستها بعنوان - قانونی انقلابی و توسط ارتجاع راست بعنوان قانونی کمونیستی، در اطراف آن ها هوپراه افتاده است، ضروری - مینمایم یکبار دیگر - هر چند به اختصار - ما هیات و مشخصات اصلاحات ارضی شورای انقلاب بررسی شود، علاوه اینکه ما در بیات فرم مبارزاتی مشترکان با راه کار گرو چناج چپ اکثریت، خطوط کلی یک طرح اصلاحات ارضی دموکراتیک را ارائه داده ایم، که این بررسی - میتوانست در زمینه ای در جهت روشن تر - نمودن هر چه بیشتر طرز تلقی ما نسبت به مساله ارضی و دهقانی باشد.

**قانون اصلاحات ارضی، زمینهای - قابل واگذاری را به ۴ بند تقسیم کرده است، در مورد دو بند اول آن یعنی بند الف (اراضی موات) و بند ب (اراضی که "دادگاه صالح اسلامی به اشتراک آنها حکم داده" و تحت اختیار "حکومت اسلامی" است) ظاهرا "اعتراضی وجود ندارد، - آیات عظام و مالکان هم هیچ یک بر این دو بند خرده ای نمی گیرند، این همان - بندی است که خمینی سزا داد ما اجرای آن را بلا مانع تشخیص داده است، اما دو بند دیگر قانون مزبور، یعنی بندج (اراضی با بر مالکان) و بند د (اراضی با بر مالکان با اعتراضات شدیدی مواجه شده و همه قیل و قال ها در مورد قانون فوق منبعت از وجود این دو بند است، این همان دو بندی است که خمینی دستور توقف آن را صادر کرد، حال بسیم نحوه، و واگذاری این ۴ قسم ارضی به چه ترتیب پیش بینی شده بود و نتایج مترتب بر اجرای آن چه میبود، آنچه که حتی در نخستین نگاه به قانون اصلاحات ارضی بچشم میخورد، وجود اینها موات و دو پهلوی گویی ها است که نه از سری اطلاعاتی بلکه با طر ملاحظه اندیشی ها در بند، بند قانون گنجانده شده است، با این عمل، شورای انقلاب - در آن مقطع - ضمن اینکه نظریات دربارت نهی مختلف درون هیات حاکمه را در قانون ملحوظ میداند (که جز با دو پهلوی گویی میسر نبود) دست هیات حاکمه را در نحوه تحسیر و اجرای قانون، به تناسب مسا زات دهقانی، باز میگذاشت بر با زدن هیات حاکمه از اجزای قانون فوق و تفسیرهای متعددی که از آن بعمل آمد با استفاده از همین ایها مات نهفته در قانون بود، قانون فوق چنان محتاطانه**

و دست به عمارت تنظیم شده که حتی بندها الف و ب را هم با شرط و شروط های خود محدود و قابل تفسیر گردانیده است، در چگونگی واگذاری اراضی بندها الف و ب چنین مقرر شده است که "حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه، و حدود دنیا زوتوانا شسی اشخاص بهره برداری آنها را به افراد یا شرکت ها واگذاز کند، "معالج جامعه" چیست و چگونه تعیین میشود؟ این شرطی است مبهم و قابل تفسیر که هیات حاکمه در شرایط مختلف میتوانستند آنرا بنا بر مصالح حکومت تفسیر کنند، مثلا "حکومت میتواند دنیا بر "معالج جامعه" حتی از واگذاری اراضی موات صرف نظر کند، و تا زه چنانچه "معالج جامعه" جهت واگذاری این دونهج اراضی ایجاد کند، به مساله حدود دنیا زوتوانا شسی: "خاص می رسم، با چه ملاکی این دو موضوع را باید تسخیر و چه ارگانی وظیفه تسخیر آنرا دارد؟ باز هم ایهام، "مثلا کدام دهقان تهیدستی است که دنیا زندها شده باشد در عین حال - کدام دهقان تهیدستی است که توانا شسی کشت و بهره برداری از اراضی موات که حتی در صورت امکان با زوری به سرمایه ای مکفی نیاز دارد، را دادا را با شمس؟ و حال اگر از این موانع و ایها مات نیز بگذریم، حاصل واگذاری اراضی موات به دهقانان بی زمین یا کم زمین جز به ورشکستگی کامل کشاندن اکثریت آنها طی یکی دو سال، چه نتیجه ای دارد؟ در حقیقت علت اینکه در مورد این دو بند و بویژه بندها الف از طرف مالکان و آیات عظام اعتراض نمی شود، همین است، نه مالکان بزرگ چیزی از دست میدهند، و نه دهقانان چیزی جز ورشکستگی - نصیبشان میشود. دو بند "ج و د" که ظاهرا "دلالت بر تقسیم اراضی با برودا بزرگ مالکان دارد، با اما واگراها و تهره های متعدد، محدود، دست و پا خسته و از با ارضی شنی شده است، بر اساس ضوابط واگذاری از زمین، بندج در اولویت سوم (پس از اراضی بندها الف و ب) قرار دارد، البته بهمین اندازه نیز اکتفا شده در جهت امتیازی به مالکان ارضی با بر - نخست به ما حیان آنها اولویت میدهد تا به عمران آن بپردازند "به این صورت مالکان این نوع ارضی فرصت می یابند که بهترین اراضی با بر را که از نقطه نظر اقتصادی، کشت آن میتواند مقرون به صرفه باشد، برای خود برداشته و این اراضی را از حوزه مشمول بندج "فار ج" کنند، بنا - بر این آنچه که از واگذاری اراضی بندج به دهقانان می رسد، آن نوع ارضی است که ظرف ۵ سال ضروری آن کشتی صورت - نپذیرفته و با توجه به امتیازی که برای مالکان در نظر گرفته شده، از بدترین نوع این ارضی است، اما چرا مالکان این نوع ارضی، طی مدت ۵ سال زمین های خود را زیر کشت نبرده و حالا هم حاضر نیستند به کشت آن بپردازند؟ "حساب روشن است، از نظرا قتصادی به صرفه نبوده است، بپردلیل بی آبی، کم آبی، بهره دهی کم، نا هموار بودن زمین، دور بودن - بنده در صفحه ۸

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# رژیم جمهوری اسلامی

## خامی ...

بنده از صفحه ۷  
از مراکز بازاری و غیره، به این ترتیب تصور  
سرنوشت آن دهقان بی زمین و با کم زمین  
که ما حب اینگونه اراضی پست میشود زیرا  
دور از ذهن نیست، با کمی تخفیف میتوان  
همان نتایج بددلت را برای او تصور  
شد.

حال ببینیم واگذاری اراضی بند  
یعنی اراضی دایر مالکان که معصنه  
اصلی کشمکش بین دهقانان و مالکان  
است، تحت چه ضوابطی پیش بینی شده بود  
در این باره قاعدتاً بر عدم واگذاری این  
نوع اراضی است. مگر بطور استثنا شایسته  
این نوع اراضی تا سه برابر عرف محلی  
(که تعیین این مقدار خودداری -  
ابها مات و مشکلاتی است) مسمول و گذاری  
نمی شود. بیش از این مقدار در صورتی -  
واگذاری میشود که کشاورزان وجود  
دارند که قادر زمین زراعی هستند و جز  
از راه گرفتن مال از زمین اینگونه مالکان  
نمی توان آنها را صاحب زمین زراعی کرد  
موضوع روشن است: اولاً این بند فقط  
کشاورزان قادر زمین را شامل میشود  
به این ترتیب با زفتا بر تقسیم اراضی  
دایر بزرگ مالکان کاسته میشود. ثانیاً  
در صورتی به این کشاورزان قادر زمین  
اراضی بند "د" واگذار میشود که به هیچ  
ترتیب دیگر نتوان آنها را صاحب زمین  
کرد. قانونگذاران، برای محکم کاری  
در این باره، تسمیه ای هم به آن اضافه  
کرده اند که "در صورتیکه در محل یا نزدیک  
آن زمینهای بند "الف" و "ب" وجود  
داشته باشد اول آن زمینها به کشاورزان  
داده میشود و به این ترتیب نیز جزی -  
المالکان و گذاری اراضی بند "د" را -  
منتفی کرده و آنرا بصورت یک استثنا  
در آورده اند. درست از همین زاویه است  
که سران حکومت پس از توقف بندج و د  
اعلام کردند که "اصل بروا گذاری اراضی  
موات بوده و یا راهی بجز این به "نگات  
ظریف قانون توجه نگردند. و با اینکه  
زمین یکی را بگیریم و دیگری بدهیم  
کلاه کلاه میشود" و با با چاره و  
مزارعه که از مسلمات فقه شیعه است بی  
ارزش میشود.

کمی تا مل در ضابط و گذاری اراضی  
بند "د" (که در اطراف آن بعنوان محور  
اصلی و انقلابی قانون اصلاحات ارضی  
هیا هویرا انداخته اند) کافی است  
تا ماهیت و هدف قانون را آشکار کند.  
هدف ما بودی بزرگ مالکی نیست، بلکه  
انحراف مبارزات دهقانی و سرکوب  
آن با واگذاری اراضی موات و در شرایط  
بسیار محدود و استثنائی اراضی بایر  
و دایر مالکان است. اگر هدف ما بودی  
بزرگ مالکی بود، آنگاه باید بدون هیچ  
قید و شرطی و گذاری زمین، از اراضی  
وسیع بزرگ مالکان شروع میشد، و نه  
اینکه اگر اراضی بددلت و بی کافی  
نبود، با هزارا ما و اگر نوبت به بند  
ت میرسد.

می گویند که از محکم کاری عیب نمی کند  
والحق که عیبها آنکه در این باره سنگ  
تمام گذاشته است. اگرچه همانطور که  
دیدیم واگذاری اراضی بند "د" مدنظر  
نبوده است، لیکن برای اینکه مبادا -  
روزی روزگاری، بناچار در جایی زمینی  
از مالکی گرفته شود و حقاً از اوقایع  
شود (که مبادا روزاً) بدقت حقوق  
مالکان بنده بند در قانون قید شده است

قانونی که در مورد واگذاری زمین با  
میهم گویی و دوپهلو گویی میل را فیصله  
میداد، در اینجا با کمال دقت قیمت زمین  
تا سیات کثا ورزی و غیر کثا ورزی مستقر  
در آن، به تفکیک و همرا با چند تسمیه  
کمکی تشریح و تعیین شده، که از بیست -  
المال با بدیه مالک پرداخت شود. آیا  
بهرتر از این امکان داشت که یک حکومت  
انقلابی و مردمی حقوق مالکان را در  
مقابل ممالک بلاعوض زمینها بشان توسط  
دهقانان، حفظ و حراست کند؟

حکومت از تصویب قانون اصلاحات  
ارضی قصد سرکوب جنبش های دهقانی را  
داشت. اگر چه این امر در چگونگی و گذاری  
زمین که تا کنون به آن اشاره کردیم، کم  
مستور و پوشیده است، لیکن در قسمتی که  
وظایف هیات های ۷ نفره و تصدیقات  
دهقانان تشریح شده، شکلی آشکار  
می یابد. وظایف هیات های ۷ نفره  
و تصدیقاتی که دهقانان در قبالت در یافت  
زمین با بد متقبل شوند، آنچنان تنظیم  
شده که بتوانند حداکثر کمیت پلیسی -  
بوروکراتیک رژیم را بر روستاها اعمال  
کرده و دهقانان را به انقیاد بکشاند. -  
هیات های ۷ نفره وظیفه دارند که تنوع  
کشت، چگونگی کشت، نحوه و گذاری زمین  
حل و فصل قفایای مورد نزاع، تشریحی  
ملاحظیت و میزان استفاده از اراضی و ... و  
کلاً نحوه، کشت و زندگی دهقانان را  
کنترل کرده و در مورد آن تصمیم گیری  
کنند. این هیاتها رسالت دارند که به  
مثال به قدرتی جدا از توده های دهقانی  
و ما فوق آنها نیز روستا را در اختیار  
گرفته و حداکثر کمیت اقتصادی - سیاسی و  
ایدئولوژیکی رژیم بر روستا را تثبیت  
کنند. اینک در اینجا و آنجا، عناصری  
هر چند "خوش نیت" در هیات های ۷ نفری  
وجود داشته باشد، در رسالت عمومی این  
هیاتها تفسیری نمی دهد و آن عناصر  
خواهنا خواه در خدمت این رسالت  
عمومی قرار دارند.

با مطرح بودن این نوع اعمال -  
قدرت بوروکراتیک بر روستاها، کاملاً  
طبیعی است در قانون اصلاحات ارضی  
هرگونه ابتکار دسته جمعی دهقانان  
هرگونه تشکل آگاهانه و آزادانه آنان  
(شورا و ...) و کلاً هرگونه حرکت مستقل  
آنان نفی شده باشد. در این قانون -  
دهقانان حتی از ابتدائی ترین حقوق  
دموکراتیک مثل انتخاب آزادانه  
نمایند نیز محرومند و نماینده -  
پیشنها دی آنان با بد مورد تأکید  
حاکم شوع باشد.

بر مبنای قانون مزبور حکومت نه  
تنها از هر نوع تشکل آزادانه دهقانان  
جلوگیری می کند و از طریق هیات های ۷  
نفره به اعمال قدرت می پردازد  
بلکه برای جلوگیری از هر نوع برآمد  
مبارزاتی و یا هر نوع اعتراضی، دهقانان  
را در پیچ و خم تصدیقاتی دست و پا گیر  
اسیر می کند. در آیین نامه اجرایی  
قانون، تصدیقات دهقانان در بند  
تدوین شده است. در اینجا کافی است  
که بنده هشتم از این تصدیقات را عیناً  
نقل کنیم تا هدف از تصویب قانون  
مزبور، که همانا به انقیاد در آوردن -  
دهقانان بوده است، بیشتر روشن شود:  
"انتقال بزرگه ملزم به رعایت مفاد  
قوانین و مقررات و آئین نامه های معوب  
دولت جمهوری اسلامی ایران بوده و  
در صورت تخلف، هیات و یا مسئولین امر  
میتوانند طبق مقررات مزبور اقدامات  
مقتضی انجام دهند." این بند آنچنان  
نیست و اقمی طرح و گذاری زمین را  
عریان به تماشا میگذارد، که دیگر نتوانی

به تشریح آن باقی نمی گذارد.  
طالب اینجاست که با وجود این همه  
شرط و شروطها و تصدیقات، تصدیق و گذاری  
زمین نه تنها بستگی به عملکرد مظلوم  
دارد، و نه تنها "منوط به انجام کلیه  
تصدیقات" می باشد، بلکه "منوط به سیات  
کثا ورزی جمهوری اسلامی نیز می باشد.  
یعنی به صلاح و مصلحت رژیم بستگی  
دارد، هم آنطور که ملاحظت رژیم  
اقتضا نموده حتی قبالت آنرا که مورد  
از تصدیق در کار باشد، کلاً مسالنه و گذاری  
را ملغی کند! این اساس "سیات  
کثا ورزی جمهوری اسلامی" است.

پس بطور خلاصه قانون اصلاحات ارضی  
با میهم گویی، اما و گریها و تسمیه ها  
چند دست حکومت و مقامات محلی را در  
تفسیر قانون با زنگ داشته، تا بودی بزرگ  
مالکی را هدف قرار داده و وقتاً بعد را بر  
و گذاری اراضی موات گذاشته است.  
و گذاری اراضی دایر مالکان بصورت  
محدود و موقت فقط یک استثنا بصورت  
می آید. در همین حال برای اینکه هیچ  
حقوقی از بزرگ مالکان تسبیح نشود  
پیش بینی های لازم برای پرداخت قیمت  
زمین و تسهیلات آن بعمل آمده است.  
تصدیق قرار داد زیکسور منوط به سیات  
کثا ورزی جمهوری اسلامی است، که بسبب  
بیان تکلیفی است و از سوی دیگر منوط به  
تصدیقاتی است که دهقانان را عیناً  
به زان شده حکومت تبدیل می کند. قانون  
مزبور ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک  
دهقانان را سلب کرده و قدرت پلیسی -  
بوروکراتیک حکومت را از طریق هیات  
های ۷ نفره بجای قدرت مالک می نشاند.

بنا بر این، آنچه که گذشت آشکار -  
میشود که قانون اصلاحات ارضی (مشمول بر  
بندج و د) رسالت با سخگویی بنده  
خواستهای تاریخی دهقانان (زمین،  
آب، و ...) و سایر مطالبات آنان (شورا  
و ...) را ندارد. همچنین این قانون -  
وظیفه ندارد که مواضع فتوالتی رشد  
مناسبات سرمایه داری را حذف کرده، -  
بازاریسمی برای فروش کالا و نیروی  
کار از زبان و فراوانی را برای بورژوازی  
فراهم کند. این کار قبلاً توسط رژیم  
ارضی شاه، از بلائینج بورژوازی و  
بقیامت خانه خرابی دهقانان انجام  
پنخبرفته است. پس رسالت این قانون  
در چه بنفشته است؟

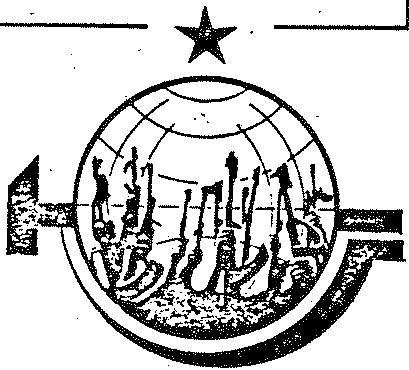
این قانون در شرایطی به تصویب  
رسیده که جنبش انقلابی دهقانی در اوج  
خود، با مصا دره، بلاعوض اراضی بزرگ  
مالکان، با حرکت های دسته جمعی و تشکلی  
شوراها بمثابه ارگانی برای قوت  
بخشیدن به اقدامات دهقانی و تدایم -  
مسارزات آنها، نه فقط منافع بزرگ  
مالکان را بخطر انداخته بود، بلکه  
حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی  
در روستاها را نیز زیر سؤال می کشید.  
همچنین آن دسته از نیروهای انقلابی و  
مشرقی که در جهت تدایم انقلاب، از  
خواستهای انقلابی دهقانان پشتیبانی  
کرده، در جهت تشکل هر چه وسیعتر آن  
و ارتقاء سطح مبارزاتشان می کوشیدند  
از زمینه های مساعدی برای جذب دهقانان  
برخورداری بودند، همچنین شدت گیری  
تضاد های درونی جناحین هیات حاکمیت  
که در ماهیت ارضی با رعایت از  
شیوه های مختلف جلوگیری از تشکل و  
انقلاب و یا زمازی نظام سرمایه داری  
بود، همه و همه لزوم تدوین قانونی را در  
این باره اجتنابنا پذیر میکرد. پس  
رسالت چنین قانونی، انحراف مبارزات  
دهقانی، سرکوب شوراها، جلوگیری از رشد  
بنده در صفحه ۹۲





# ★ زنده باد انقلاب پرو (۸) ★

## جنبش جهانی کارگری - رهائی بخش



بخش هشتم (بخش ماقبل آخر) این -  
سلسله نوشته را با ادامه فصل و انضام لاتی  
که در درون جنبش اتحادیه گراشی و کارگری  
پرورخ میداد، آغاز میکنیم. تجارب و  
دست آوردها شی که جنبش کارگری پرو در  
این برهه بگفت آورد، تجاربش است که بر  
غضای پیشینه جنبش کارگری، هم در محدوده  
جغرافیای شی پرو، هم در چهار رچوب قاره ای  
آمریکای لاتین و با زهم از آن فراتر، به  
غضای دست آوردهای جنبش جهانی کارگران  
خواهد افزود. طبقه کارگر پرورد را این برهه  
مواقع گوناگونی را که از جانب دشمنان  
رتکار رنگاشن آراشه میشد، به محک تجربه  
زد، به مرات میتوان مدعی شده رادیکالیسمی  
که هم اینک در بریند جنبش کارگری پرو  
جریان دارد، عمدتاً "پیشه در تجارب بدست  
آمده از رخدادهای طبقاتی این برهه از  
تاریخ مفا پرورد اارد.

عمومی کارگران پرو (C.G.T.P)، کشوری  
از توده های کارگر را بیون هیچگونه  
پشتوانه ای عملاً در برابر سرکوب بورژوازی  
رها کرد. پلیس و ارتش بورژوازی نیز  
لحظه ای را در بهره گیری از این شرایط -  
برای فروگرفتن هر چه بیشتر جنبش کارگری  
از دست ندادند. مدها تن از رهبران اتحاد  
- به های کارگری و دانشجویان را دستگیر  
کردند. دستکم ۹ تن از کارگران در جریان  
این تهاجم توسط پلیس و دیگر نیروهای  
ویژه ارتش به خون خفتند، و خونتای نظامی  
بلافاصله اعلام کرد که ما حیوان کارخانه ها  
از این پس این اجاز را خواهند یافت تا  
هر کارگری را که بگونه ای به اعتصاب -  
گرایش داشته باشد، اخراج کنند. خونتای  
نظامی سران داشت تا تمامی دستاورد های  
جنبش کارگری پرو را که به بهای سالیان  
سال مبارزه یونین بگفت آورده شده به -  
یکبار رهزیر پا گذارد. بدینال اعلام این  
مطلب، نزدیک به ۶۰۰ کارگر که اکثرشان  
را فمالین اتحادیه های کارگری تشکیل  
میدادند، از کارخانه بیرون رانده شدند.  
بورژوازی پرو با بهره گیری از این  
شرایط، فریاد میزد که "حال میشود -  
سیاست عقلانی کردن تولید را پیش گرفت"  
و برآستی چه هدیه ای بهتر از این برای  
بورژوازی پرو از سوی خونتای فد  
امپریالیست! اخراج دسته جمعی  
کارگران بیرون بردا خت صنایع پول، برای  
بورژوازی پرو این تنها می توانست یک  
موهبت الهی باشد و پس.

که چندی بعد حزب را از درون داغان کرد.  
رو در رو با فشار قرار یافته ای که  
از داخل و خارج بر رهبری "حزب کمونیست"  
پرو (P.C.P)، وارد آمد. رهبری حزب  
نهایتاً "محبوبه حمایت دومین اعتصاب  
سراسری گردید. اما جنبش حمایتی نیز  
نتوانست دیرپا بماند. چند روز پیش از  
برپائی اعتصاب عمومی، خونتای نظامی  
خیمه شب بازی مخره ای را علم کرد. خیمه  
شب بازی ای که حکایت از درگیری های  
مرزی ما بین پرو و اکوادور میکرد. خطر  
جنگ جدی بود. رئیس جمهور "مورا لاسر"  
برمودا "تایفیتا دن تا مه ای، از رهبری  
"کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
(C.G.T.P)، خواست که بخاطر حفظ وحدت ملی  
در برابر تها و زخار "از دست زدن به  
اعتصاب عمومی پرهیز کنند. جناحی از  
رهبری "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
که بواقع سیاست های "حزب کمونیست پرو"  
(P.C.P)، را نمایندگی میکردند، بلافاصله  
به این درخواست پاسخ مثبت دادند. و با  
این اقدام عملاً "خارجیانت را بر کلوا گاه  
جنبش کارگری پرو نهادند.  
اما دور ز پیش از زمان تعیین شده -  
برای اعتصاب، ژنرال "یدرو ریختر" فرمانده  
نیروهای مسلح پرو، و ژنرال "یا ولگا سورا"  
فرمانده نیروهای مسلح اکوادور، با  
بوسه های برادری، دست یکدیگر را فشردند  
و به اختلافات مرزی پایان دادند. جناح  
خیمه شب بازی نظامی و اغوای فرمت -  
طلبی که در رهبری "حزب کمونیست پرو"  
و "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو"  
(C.G.T.P)، به سنگر نشسته بودند، شکست  
اعتصاب بودویس، آنهم گشتی از پیشتر  
جدا از توده های وسیع کارگر، کشوری از  
اعضا، حزب، نیز رهبری "حزب کمونیست  
پرو" (P.C.P)، را علناً خاشن نامیدند.  
بدینال جنبش یا پس کشیدنی عربان،  
از سوی رهبران زفرمیست، "حزب کمونیست  
پرو" (P.C.P)، دستخوش انشعاب شد. اکثریت  
اعضا، و کار درهای کارگری حزب، با نهادن  
نام "حزب کمونیست پرو، اکثریت  
(P.C.P - M)، سرخود، جناح بقایت راست  
حزب را که از آن پس با نام "حزب کمونیست  
پرو- وحدت" (P.C.P.M)، شناخته میشد، از  
حزب اخراج کردند. (وحدتی ها، گروه  
نخست را ماورا، جبه و جاسوس پلیس!  
نامیدند.

طبقه نخستین اعتصاب سراسری و -  
گسترده، با اعلام فراخوانی درخشید، که از  
سوی "کمیته مبارزه متحد" (C.M.E) برای  
روزهای ۲۰ و ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۷۷، آراشه  
شده بود. از آنجا که شرایط اضطراری اعلام  
شده از سوی دولت، همچنان پا برجای بودو  
کارگران اعتصابی را همچنان خطرا اخراج  
تهدید میکرد. دولت در پی آن بود که با  
یکبار انداختن هر چه گسترده تر بازارهای  
تولیع و سرکوب خویش و مددگرفتن از بیختر  
- های خصوصی خدمات (بنگاه های کوچک  
حمل و نقل، رانندگان که خود مالک  
وسیله نقلیه عمومی خویش بودند و غیره)  
از ادامه ی آمد های اعتصاب هر آنچه که  
ممکن است بکا هد، در نخستین ساعات -  
با مدار روز ۱۹ ژوئیه، کارگران واحدهای  
بزرگ تولیدی که در حاشیه لیما میزیستند  
تأمی بزرگ راه های را که به پایتخت  
منتخبی میشد، بستند و با سنگباران کردند  
هر وسیله نقلیه ای که اعتصاب نکنانه در  
آمد و کشود، رفت و آمد را بکلی قلع کردند  
اعتصاب عمومی همه جا دا من گسترده بود.  
از معدن مناطق مرکزی "ندس" گرفته،  
تا ساحلی که سنتاً به صید ماهی اختتامی  
داشت، اعتصاب همه جا بود.  
اما نخستین شراره های با زتاب این  
عمل توده ای را، اغوای خاشنین، خیلی -  
زود به خاموشی سپرد. در غروب نخستین  
روز اعتصاب، "حزب کمونیست پرو" (P.C.P)  
با نفوذی که بر بخشی از رهبری "کنفدراسیون  
عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) داشت، -  
هر آن از گسترده گی مبارزات توده ای که  
میرفت یا به های رژیم با صلاح فد -  
امپریالیست را ازین مزبه بزند و فضای  
آرام مطلوب زفرمیست ها با خون و آتش  
رنگین کند، اعلام نمود که خواست های -  
کارگران از سوی دولت نظامیان برآوردنی  
است و از این رودیگرا اعتصاب پس است.  
سویال زفرمیست ها از کارگران -  
خواستند که مو، دبا نه سرکارهای خود -  
برگردند. همین، وحدت عملی چنان جان  
سخت و چنان منتهجبه یکبار رهزردون -  
ضربه خورد، فراخوانی جنبش خاشنانه  
از سوی بخشی از رهبری "کنفدراسیون

بقیه در صفحه ۱۰

# مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش جهان



### زنده باد انقلاب پرو (۸)

همای جنین فعل انفعالات طبقاتی- سیاسی ای، بحران اقتصادی نیز همچنان اوج میگرفت. خونشای نظامی سنگین ۱۹۷۸ را سال "ریاضت طلبی" نامیدند. کارگران همین سال را "سال بدبختی" نامیدند. پس از یک دوره دهساله، حکومت با صلاح انقلابی، بواقع در تنگنا قرار گرفته بود. حکومت گویا "فدا میریالینت" که آنهمه در بیوق و کورتا به سیریا لیزم خیالی خود می تاخت، به گونه ای عربیان انصار خود را بدست نظریه پردازان صندوق بین المللی پول (I.M.F) داده بود. خونشای نظامی دیگر قادر نبود که بگونه ای مو، شوقا کمیت خویش را اعمال کند. اعتراف به همین امر، سب زمینیه سازی آبرومندان و آینه نگر برای پستی کشیدن از قدرت، از سوی ایشان شد. نور نوامبر ۱۹۷۷ ژنرال "مورا لیزر مودا" اعلام کرد که در زوین سال بعد، بیروشا هند انتخاباتی خواهد بود که از آن مجلسی مؤ، سان برای تدوین قانون اساسی جدید تشکیل خواهد شد. همان زمان ژنرالها وعده دادند که بر اساس قانون اساسی تدوین شده در مجلس مؤ، سان گذاشتی نظامیان در سال ۱۹۸۰ قدرت را به غیر نظامیان خواهند سپرد.

سخت پیرامون فراخوانی مجلس مؤ، سان، نیروهای چپ را نیز درگیر خود کرد. برخی از جریان های چپ که گرایشات "چینی" داشتند، انتخابات را توطئه ای ارتجاعی می خواندند. برای مشابه سایر امدهای توده ای و همین، از این رو تحریم اش را میخواستند. اما اکثر نیروهای چپ بر این باور بودند که انتخابات حتی اگر در عمل نیز گویانه ای غیر دمکراتیک انجام پذیرد، با ززمینه ای را فراهم خواهد آورد که بر ستران نیروهای چپ تا در خواهند بود تا با استفاده از شیون انتخاباتی به تبلیغ و ترویج نظرات - خویش دست زنند. اینان شرکت در انتخابات را یکی می دراستای عربان نمودن هر چه بیشتر جد و مرزهای منافع طبقاتی میدیدند.

با چنین دریافتی از تاکتیک های - ساززانی - چپا رجوبی برای اتحاد عمل با نام "اتحاد مگرا تیک مردمی" (U.O.P) که ۱۸ سازمان چپ را در خود جای میداد، برپا شد. اکثر این ۱۸ سازمان خود را مارکسیست - لنینیست می خواندند، ولی در سن آنجا میشد از "حزب کمونیست پیرو - اکثریت" (P.C.P.A) تا تروتسکیست های "حزب کارگران انقلابی" (P.R.T) - سراغ گرفت.

درست در میانه کارزار انتخاباتی، اقتصاد دپوردر اوج بحران خویش بسر میرد. در ماه فوریه، صندوق بین المللی پول دولت پرور وفاق قدسینه اقتصادی برای بای بندی به قرار نامه های تدوین شده با خود خواند. ذخیره بانک مرکزی پرو تنها "ازار خارجی تپی شده بود. بانکهای خارجی سرعت پیشنهاد ۲۶۰ میلیون دلاری را که قرار بود در اختیار خویشای نظامی قرار دهند، پس گرفتند. تنها اتحاد شوروی بود که موافقت کرد تا شرایط سیل تری را برای بازپرداخت بدهی های که دولت نظامی پرو بابت بیهای تجهیزات نظامی خریداری شده از شوروی داشته فراهم کند. تحت چنین شرایطی از بحران فزاینده اقتصادی، خونتا، یکی دیگر از بزرگ های

دفتر برنا مه "ریاضت طلبی" را ارائه کرد. در حالی که نرخ تورم از مرز ۸۰ درصد - میگذشت، به یکباره بیهای شیر و روغن - خوراکی و نفت دو برابر اعلام شد. کارگران عضو فدراسیون منطقه لیمبا، از "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.O.T.P)، فراخوان سومین اعتصاب عمومی را خواستار شدند. سومین اعتصاب گسترده سراسری در مدت کمتر از یکسال.

هنگامی که کنفدراسیون عمومی کارگران پرو (C.O.T.P) و کمیته مبارزه - متحد (C.O.A) ، اعتصابی ۴۸ ساعته را برای روزهای ۲۲-۲۳ ماه مه اعلام کردند. پلیس بورژوازی در ۳۳ به دستگیری مدها تن از رهبران اتحادیه های کارگری و سازمانهای انقلابی چپ کرد. در ۲۰ ماه مه رئیس جمهور "مورا لیزر مودا" در - تلویزیون ظاهر شد تا مردم پرور را از اثرات ناشی از چنین اعتصابهای بزمینیه فراخوانی مجلس مؤ، سان بفرماند. اما چنین تهدیدهایی بی ثمر می نمود. چرا که خونتا حتی پیشتره، از این تاریخ نیز با دستگیری ۱۲ تن از کارکنانهای سازمانهای چپ برای مجلس مؤ، سان، تهدیدهای بیشتر را آغاز کرده بود. کثیری از فعالین جنبش کارگری به انتخاب زندگی مخفی رانده و زورنا تبه های مترقی نیز از سوی نظامیان توقیف شده بودند. زمانسی که ژنرال ها فهمیدند که کارگران و همگان گوششان بدهکار این تهدیدها نیست، حالت فوق العاده نظامی را اعلام کردند و همانا قانون اساسی موجود را نیز زیر پا گذاشتند. اما اعتصاب سراسری عمومی، چنان - گسترده و همگانی بود که بزحمت میشد، نمونه ای همسگ باقی را در تاریخ معاصر مبارزات کارگران و زحمتکشان پرو سراغ گرفت. در نخستین روزا اعتصاب ژنرال ها - اعتصاب را غیر قانونی خواندند و - صاحبان واحدهای تولیدی حق اخراج بی چون و چرای کارگران اعتصابی را اعطا کردند. عبور و مرور تنها ممنوع شد. سربازان حق آتش در محدوده زمان منع عبور و مرور، ارزانی گردید. اما اعتصاب همچنان موفقیت آمیز دو مین روز خود را نیز پشت سر گذاشت.

دستکم ۲۲ تن در جریان اعتصاب بدست پلیس و نیروهای ویژه ارتش کشته شدند. ۱۲ تن از کارکنانهای سازمان چپ که بیشتر دستگیر شده بودند، به آرزو انتیسن تبعید گردیدند.

هر چه گذشته ها می اینجا و آنجا بچشم می خوردد ا بر سربازینکه چهره های اصلینی خونتا خواهان تطبیق انتخابات پلیس مؤ، سان اند، اما ژنرال "مورا لیزر مودا" همچنان بر فراخوانی مجلس مؤ، سان اصرار میکرد. برآستی آیا برای خونتا بدیلی دیگر باقی مانده بود؟

انتخابات مجلس مؤ، سان در ۱۸ ژوئن انجام گرفت. در جریان انتخابات نظامیان در شرایط فقدان سازمان سیاسی از خود، بیشترین تلاش را برای پشتیبانی از کارکنانهای "حزب آبرا" (A.P.A) بکار بردند. "حزب کش مردمی" (A.P.) نیز هر سان از قدرت بانی نیروهای چپ انقلابی، تمامی هو عم خویش را بکار گرفت تا آرای خود را به نفع "حزب آبرا" (A.P.P.A) در صندوق ها بریزد. شرکت های چند ملیتی در جریان انتخابات عملاً جانب حزب ما و را راست "مردمی مسیحی" (P.M.C) را گرفتند. اما با این وجود، ۲۵ درصد آرائی که این حزب بخود اختصاص داد، سر و شکی نمایانگر روئی گردانیدن هر چه بیشتر توده ها را از این حزب پرچمساز "قواشین الپی و ازی" بود. اما برای نخستین بار پشتیبانی -

توده ای از سازمانهای چپ در جریان انتخاباتی از این دست، بواقع چشمگیر بود. با وجود تمام محدودیت های که از ما بپیش از سوی خونتا برای فعالیت انتخاباتی این نیروها ایجاد شده بود، از دستگیری و تبعید کارکنان انتخاباتی گرفته تا بستن روزنامه ها پیشان و ممنوع خواندن انتشارات و اوراق انتخاباتی از یکسو و از سوشی دیگر تهدیدهایی که در سطح توده ای انجام میشد تا اینان را از حمایت توده ها محروم کند، و نیز با توجه به تمسدد سازمانهای چپ، بدست آوردن ۱۶ درصد آراء خود موفقیتی چشمگیر بود.

نتایج انتخابات برای حاکمیت نظامی کا ملا "غیر منتظره بود. حکومت در آنچه قرار گرفته بود، چرا که بسیاری از نمایندگان منتخب چپ هنوز با در زدن بودند و با در تمسدد سرانجام دولت ناگزیر به آزاد کردن شان از زندانها و موافقت با بازگشتن از تبعید شد. اما روزنامه های چپ و مترقی هنوز در محاق توقیف بسر میبردند.

از مجلس مؤ، سان این چنین که تبه پشتوانه اراده خواست کارگران و زحمتکشان، بلکه بر عکس متکی بر زمینیه های قانونی، آنهم قانون بورژوازی برپا شده بود، انتظار آن شمیرفت که گامی اساسی و استوار در راستای منافع توده های عظیم زحمتکش پرور بردارد. این مجلس حتی نمی توانست مؤ، سان هم باشد. نبود - شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان بمثابه بدیلی انقلابی کا ملا بچشم می خورد. از قدرت دوگانه عبوری نبود، و این هم از این واقمیت بر میخواست که عایشین دولتی بورژوازی دست نخورده به حیات فعال خویش ادا می نماید. ما شین دولتی بورژوازی خرد نشده بود. بهر رو، نمایندگان منتخب کارگران در مجلسین مجلسی نیز توانستند با یکا برگرفتن بیشترین تلاش خود گامی در راستای تدوین قوانینی بنفع کارگران و زحمتکشان پرورشی بردارند. ادامه دارد

### شناسایی نمایندگان

۹/۱۵/۷۰ رودسر	۱۸۶	علی حسن زاده
"	۱۸۷	محمد علی کاره پور
۹/۱۹/همدان	۱۸۸	فاطمه داد درشت
۹/۱۶/رشت	۱۸۹	محمد ولیدوست کولی مجاهدین
۹/۲۵/۷۰ سنندج	۱۹۰	محمد تقی معزی
"	۱۹۰	بنی مگرونی
"	۱۹۲	جمال بهمن پور
"	۱۹۳	محمد حاج حسینی
"	۱۹۴	جمال رحیم زاده قر
۹/۲۵/رومی	۱۹۵	ابراهیم ما بونجی
"	۱۹۶	خسرو صلاح زاده
"	۱۹۷	محمد قسیم سوزهای
"	۱۹۸	محمد کریمیان
"	۱۹۹	رضا نوا خواه
"	۲۰۰	علی قادرزاده
"	۲۰۱	حسین محمودی
"	۲۰۲	کریم اسلامی
"	۲۰۳	ابوبکر رحیمی
"	۲۰۴	عبید الرحمن پنا هنده
"	۲۰۵	پیوشن میا جری
"	۲۰۶	مصطفی اسماعیل زاده
"	۲۰۷	خلیل بلوری

### ارزیابی ذهنیت حاکم پرتو دهها

۱- تصنیف جورعب و وحشت ؛  
 غول پوئالی رعب و وحشت در دو ماه -  
 آبان و آذر و مخصوصاً در آذرماه به لرزه در میاید کینه و نفرت انباشته در قلبش  
 توده ها که تا کنون بیشتر از شما نشان شده  
 شعله میکشید و تنها در مباحث خا نوا دگسی  
 و "من بروز میافت بر لبان وحشی -  
 با زو نشان جاری میشود. حرکات نویسی  
 در جنبش توده های آغاز میگردد. در تداوم  
 بحران حاکم جو خفقان و ترس روبه شکستن  
 میرود و هر ترس و طبعه ای از خلق به فراخور  
 خصلت های طبقاتی، آگاهی و سطح مبارزاتی  
 با اشکال گوناگون به مقابل با ضدا انقلاب  
 بر میخیزد. میتوان گفت عقب نشینی -  
 متوقف میشود و مقابلت در مقابل جبهه  
 ضدا انقلاب در دستور قرار میگیرد. ایستادگی  
 در مقابل مزدوران رژیم - که وجه تصنیف  
 آن در مقابل مزدوران مسلح چون پاسداران  
 و وجه قوی آن در مقابل مزدوران عسادی  
 مثل انجمن اسلامی ها و جاسوسان است - به  
 تدریج افزایش می یابد. تحریم همچنین  
 عمومی ترین شکل مبارزه است اما بتدریج  
 اعمال اراده، مستقیم توده ای در اشکالی  
 چون کم کاری و اعتصاب در کارخانجات  
 نطفه می بیند. کوتاه سخن اینست که وضعیت  
 مبارزات توده ها چشم انداز اعتلائی نویسن  
 و در هم شکستن خفقان و وحشت را نوید میدهد  
 و بار دیگر این امر را به اثبات میرساند  
 که هیچ تهدید و ارباب و هیچ سرکوب و  
 دیکتاتور قیادریست به تنهایی توده ها  
 را از عرصه مبارزاتی خارج سازد. ما در زیر  
 بخشهای از گزارشات رفتار عیناً نقل  
 می کنیم

بحران واقعا "عمیق تر شده و جورعب و  
 وحشت هم دیگر اثرندارد. مردم قیده هم چیز  
 رازده اندوبه محض کوچکترین اعتقاد دسر  
 بخشهای سیاسی را بازمی کنند - " در هفته  
 سو و چهارم آبان مباحث با الکرفته و -  
 کارگران بک نوع تنها در محبتها نشان  
 تشدید شده است. مدیران و انجمنی ها شدیداً  
 ترسیده اند. او اسط آبان در یکی از کارخانه  
 - ها دود فعه از ساعت ۴ به بعد تمام مدیران  
 به دعوت انجمن اسلامی در کارخانه ماندند و  
 راجع به مسائل اخیر محبت کردند یکی از  
 مسائل جلوگیری از ورود اعلامیه بوده است  
 در این مورد نگهبانان را با زخواست  
 نمودند - " کارگران دیگر ترس به رعب و  
 وحشت نمیدهند و این در تمام حرکات تکارگران  
 در ۲ ماهه اخیر دیده میشود. این خود ترس  
 عمیقی را بر دل کارفرما انداخته است.  
 بخاطر این موضوع سالها پاکازی را  
 کش میدهند. چون میدانند کارگران این  
 دفعه ساکت نمی مانند. بقول یکی  
 کارگران اینها از ترس اینقدر مسالسه  
 پاکازی را کش میدهند تا بالاخره خودشان  
 پاکازی شوند. " در کارخانه بسیاری  
 از بخشنامه های ضد کارگری که شامل  
 مقررات انضباطی است مورد عتاب است -  
 کارگران قرار نمی گیرند - " در یادگانها  
 سرپا زها به ندرت در نماز شرکت می کنند،  
 موقع سخنرانی ها اصلاً گوش نمی کنند و  
 سخنرانی در می آورند. بتدریج مقابل  
 افسرها و حزبی ها می ایستند و اعتراض  
 می کنند - " در یک ماه اخیر جورعب و وحشت  
 شکسته است. مردم صحبت می کنند، اغلب  
 قبل از صحبت طرف مقابل را با نگاه محک

### سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

میزنند و بعد از اطمینان حرف میزنند. -  
 اخبار خیلی سریع بین مردم پخش میشود.  
 اعتصاب در ایران ناسیونال روی روحیه  
 مردم تا شورشیت گذارده است و خیلی سریع  
 همه از آن باخبر شدند. مردم از شدت -  
 اختلافات و تا کمیت خیلی خوشحال شدند  
 و اغلب منتظر بزرگتری های حادثه هستند -  
 .....  
 به این مسائل با بدجوا کم بر مسداری  
 و روستا ها را نیز افزود که اخبار آن مرتباً  
 در تریه درج شده است.  
 تحریم همچنان عمومی ترین شیوه  
 مبارزاتی است. در بسیاری از مدارس -  
 مراسم صبحگاهی و کلاس ایدئولوژی یک  
 بسیار خلوت است، مثلاً در دبیرستان  
 آیت الله سمیعی محصلین در مراسم صبحگاه  
 حاضر نمی شوند. کلاس های ایدئولوژی یک  
 همیشه خلوت است حتی مسئولین مجبور  
 شده اند سر کلاس وصف بیوسته بگویند چرا -  
 دانش آموزان به کلاس ایدئولوژی یک -  
 نمی آیند؟ چرا به مراسم توجه ندارند و چرا  
 .....  
 در محلی فالانژها فیلم  
 سینمایی میا ورنده وجود از آن بودن -  
 بلیط تنها ۲٪ آنهم بچه ها رفتند. " مقابلت  
 در مقابل فعالیت های اجباری مثل نماز،  
 حجاب، شرکت در سخنرانی و ... روبه تشدید  
 است اکثر " شرکت نمی کنند - " اکثریست  
 دهقانان شمال از فروش برنج به دولت خود  
 - داری کرده اند حتی در چند مورد ( دو -  
 مورد آن به ما گزارش شده است ) کتا و رزان  
 که زیر فشار پاسداران قرار داشتند محمول  
 را لیا نه خود را آتش میزدند تا به آنها ندهند  
 اضا فیه کردن یک تومان به قیمت خرید برنج  
 از جانب دولت نیز سودی نداشت. کتا و رزی  
 میگفت " من برنج خود را به دریا می ریزم  
 اما به دولت نمی فروشم " بطور کلی تحریم  
 فروش برنج به دولت فعلاً کمترین حرکت  
 تحریمی در این مقطع بود.  
 هر چه به آخرین مقطع نزدیک میشود  
 حالت تنها جم و شور در توده ها افزایش -  
 می یابد و بالاخص ایستادگی آنها در مقابل  
 مزدوران رژیم تدریجاً شکل میگیرد. بعد  
 از اینکه فالانژی در مورد یکی از کارگران  
 گزارش رد می کند کارگران قسمت او متحداً  
 خواستار انتقال وی به بخش دیگری میشوند  
 در کارخانجات زامیا دکا رگری به یکی  
 از انجمنی ها میگوید " من یک، تلمه یکدی  
 برای نیاسام میخواهم " حزبی میگوید  
 نمی توانم بدم " کارگری با عصانیت میگوید  
 " تو غلط می کنی نمی توانی این کارخانه  
 مال ماست حال که نمی توانی بدهی منتظر  
 روزی باش که گوشت را بگیریم و بیرون  
 بیندازیم " انجمنی در حالی که کلاً سرخ  
 شده بود دور میشود. در کلاس شبانه یک  
 حزب الهی به کارگر معلق میگوید " چسی  
 میکی چوه کمونیست " کارگر مزبور فریاد  
 میزند " ره کمونیست هستم چسی میکی و  
 آرام به دوستم می گویند " کمونیستها شرف  
 دارند جانشان را برای ما میدهند " و به  
 حزب الهی میگوید تا راحتی بلند شو جای  
 دیگر بنشین  
 هر چند کارگران در این مورد پشیمان  
 هستند و موارد آن متعدداست - اما این  
 شکل برخورد در سایر اقشار نیز تکرار گرفته  
 است. فردی که برای خرید تا کسی مورد  
 استنطاق مذهبی قرار میگیرد، بعد از -  
 اینکه از جواب در می ماند از حزب الهی  
 می پرسد " سوپا ما شین کما سته دین منزل  
 چند شمع دارد " حزب الهی شدیداً " عصانی

میشود، همین فرد دوباره می پرسد " اگر در  
 رکعت پنجم نماز شک کنی چکا رمی کنی  
 حزب الهی میگوید " استفا نه " فرد مزبور  
 میگوید " تا مسلمون نماز که اصلاً رکعت  
 پنجم ندارد " و از اذاتی بیرون میکنند  
 اما وی مرا نه می ایستد و بالاخره موفقی  
 میشود تا کسی بگیرد. بیدریک محمل خطاب  
 به او تریه میگوید " به شما چه مربوط  
 شما میخواهید تربیت یا دجه، من بدهید  
 یا او را جاسوس و ساواکی با ربا و ریبند،  
 کور خوانده اید من هر روز به بچه ام میگویم  
 شما چه جنا پیکارهای هشید " وقتی در یکی  
 از کرباهای کرج بحث خد رژیم جا میشود  
 در میان مسافران یک نفر طرفدار رژیم بوده  
 است که به یکی از مسافرین میگوید " شما  
 آلت دست منافقین نشوید " راننده ماشین  
 را کنار راننده نگه میدارد و میگوید " فرمائید  
 پاشین من حومه شنیدن " بحث شمارا تا  
 کرج ندارم. اعصاب مرا خرد کردید، شما ره  
 ماشین را هم دوست داشتی بردار " شخصی -  
 مزبور با غر غریبه دا میشود. جوان نشان  
 محل مشغول صحبت بود نگاه پاسداری داخل  
 جمع آنها میشود و میگوید " نگفتیم اینجاسا  
 بحث نکنید، این دفعه شلاق میزنیم " جوانهای  
 محل میزندند زیر خنده، یکی از آنها خطاب  
 به پاسدار میگوید " فلانی اینقدر تند صحبت  
 نکن، پس فردا اگر ورق برگردد تا حوز  
 میشود، جای خالی هم بگذارد " پاسدار با  
 عصانیت محل را ترک می کند. بپیر مسرد  
 بسجی که در میوه فروشی به اعتراض به قیمت  
 کارتن را در میا و رد ما حد منازعه یقه او را  
 میگیرد و با گان دادن بدید میگوید " به من  
 کارتن را نشان نده کارگران است بگو  
 میخری یا نمیخری فقط به من کارت نشان  
 نده " در صف تخم مرغ وقتی کمیتچی ما مور  
 نظم به یکی از زنهای شوین میکنند زن -  
 میگوید " فکر کردی چون پاسدار شده ای -  
 میتوانی هر چیزی که دلت خواست بگویی  
 و در مقابل تهدید پاسدار با تخم فربا میزند  
 " غلط میکنی تازه ببری کمیت چکار  
 میخواهند بکنند، مگر میتوانند همه را  
 بکشند " در صف مرغ در منطقه ای زحمتکش  
 نشین تهران وقتی زنی خطاب به خانم  
 دیگری که رژیم را افشا میکرد میگوید " شما  
 خدا انقلاب هشید " همه زنهای در صف عصانی  
 شده او را از صف بیرون می کنند و میگویند  
 " حال که اینطور شد و همه ما خدا انقلاب هستیم  
 هر غلطی که میخواهی بکن " در " زنی از  
 مدارس امده " ۲۲ آبان ماه داد اعلامیه بخش  
 کردیم بر دهن مدرسه خوب بود. دو کبرچه ها  
 اعلامیه ها را قایم نمی کردند و جلو حزب الهی ها  
 میخواندند. یک حزب الهی به یکی از بچه ها  
 گفت " خوان، چیزی نیست که به عقل تری  
 اضا فیه کند " دانش آموز گفت خوان تری فرسرد  
 ندارد " و بعد از آنکه حزب الهی اعلامیه را  
 با ره کرد با خنده و مسخره بطرف دو بخش کسه  
 اعلامیه دیگری داشت رفت و با او تریه شروع  
 به خواندن کرد. در کارخانه ای پس از بخش  
 اعلامیه کارگران پیشرو، کارگر متوسط  
 اعلامیه را در جمعه اعلانات انجمن اسلامی  
 نصب کرد که تری می کارگران جمع شده  
 آنرا خواندند.  
 برجسته ترین مشخصه این مقطع شکل  
 گیری حرکات جمعی مبارزاتی توده ها است  
 که عمدتاً با خواستهای اقتصادی شروع  
 میشود و در مواردی در تداوم خود به طرح  
 کوتاه مدت خواستهای سیاسی رسیده است.  
 کیفیت و کمیت این حرکات در طبقات و

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### ارزیابی ذهنیت حاکم پرتودهها

نقشه از صفحه ۱۱

اقترا مختلف کا ملا" متفاوت است. -  
 پروتاریا از لحاظ انسجام یافتگی، پی گیری و تدابیر و حرکات آشکار از همه جلوتر می باشد. اما بهر صورت خود انگیختگی و عدم حضور فعال پیشرودر این حرکات مشترک است. مانعونه های متعددی از این حرکات را در دومین قسمت از سری مقالات "بررسی اشکال مقاومت و مبارزه توده ها" تکرار کرده ایم و از تکرار آن خودداری می کنیم. تنها به ذکر چند مورد دیگر که نسبت به نمونه های مذکور در سطح پایین تری قرار دارند اشاره می کنیم.

در شرکتی که کارگران و کارمندان به سه صورت یکپارچه از به دیوار زدن متنی توسط انجمن اسلامی جلوگیری بعمل آورده اند. مضمون این متن چنین بود "مردان اگر به بدن زنها نگاه نکنند حرام است" ارساله خمینی - تمام کارگران و کارمندان آشکارا سخره میکردند. در موردی که حقوق یک روز کارگران را بدون اطلاع آنها به نفع جنگزدگان کم کرده بودند همه به اعتراض برخاستند و مصرا تا به اعتراض خود ایتادگی کردند. کارگران و کارمندان و عده که به افراد ناراضی پولتشان برگردانده میشود آرام شدند. در کارخانه ای کارگران بسیاری با زداشتی ها و با سواده عدا می ها کمک مالی جمع آوری کردند که همکاری اکثریت کارگران جلوگیری بود. در اتوبوسی بعد از بالاگرفتن اذیت یک حزب الهی میکوبید "سلامتی ما مصلوات بفرستید" بجز خودش و چند نفر دیگر هیچکس مصلوات نمی فرستد. بیرونی که مخالف رژیم فشارگری میکوبد فوراً میکوبید "سلامتی خودتان و جوانها مصلوات بفرستید" اتوبوسی یکمدا مصلوات می فرستد.

در وجه دیگری با بدگفت که اعتراضات و بحثهای سیاسی از محافل خانوادگی و جمعهای مورد اطمینان تقریباً به مجامع عمومی کشانده شده و روز بروز تیزریسی تر میشود. اما در حتم شده ها اگر چه تا مسی رژیم را در بر میگرداند اما آنجا که بحث به خمینی میرسد هنوز سکوت یا تنفیر بحث بوضوح دیده میشود. با جدا کشردن - مورد شیوه بیان دقت بیشتری میشود. بروز خشم مردم نسبت به خمینی هنوز در مجامع عمومی یا عمومی بسته تر به محمور است. -  
 موارد علنی دیده شده عمومیت ندارد و محدود می باشد. در بحثهای علنی کارگران، -  
 اقترا تهیست خرده بورژوازی، بدانش -  
 آوزان و روشنفکران انقلابی پشتا زند اما کارمندان با لایحه اقترا بالائی آنها با احتیاط بسیار برخورد می کنند. با ایند گفت در تها می بحثها شیوه بیان یا ارزیابی محیط و اطرافیان تعیین میشود و توده ها در این مورد تجارت گرانهای را به نمایش نمی بندند.

در گزارشی در آبان ماه آمده است "اعتراضی -  
 ها از حالت نق زدن به بحثهای اصولی تنفیر جهت داده است. مقدار ارزیابی از -  
 ترس کارگران کاهش شده است. بر مسائل گوناگون به بحث می پردازند ولی ایتادگی بحث ها هنوز با احتیاط همراه است. تا اواسط آبان نیز هنوز سرخورد ها شدیداً محتاطانه است ۸/۱۵ در جمع یک کارمند ضمن اعتراض به وضع موجود رژیم را به دشنام میکوبد. سه نفر دیگر که زحمتکش بودند حرف نمی زدند و با شنیدن فحشها خوشحال میشوند" یا "پسر جوانی که شدیداً حاکمیت را محکوم کرده و افشاگری برداشت با آن همه مسافرین خاموش شدند، به نظر میرسید دیگران را نوعی ترس

فرا گرفته ..... میتوان گفت معمولاً -  
 افرادی که بدون مقدمه و خیلی بی پروا به رژیم میتازند مردم حزب الهی می شمارند. در یک کارخانه در جلوه شورای فرمایشی یکی از نمایندگان فرمایشی از کارگران پرسید آیا شما برای حل مساله ممکن خانه های واقع در میدان آزادی پیشنهادی دارید یکی از کارگران با صدای بلند گفت "اره ما دره پیشنهاد ماست" همه در میان کارگران بالا گرفت "در تا کسی را نشنیده به خام خرده بورژوازی میانه که به پاسداران فحش میداد گفت "ظهور جرات می کنی حرف بزنی تو را می برم کمیته ها" زن گفت "بسر من هیچ ترسی ندارم مگر خون من رنگینتر از بقیه است" راننده گفت "حالا من اینکار را نمی کنم خانمی که بغل شما نشسته جسی خا نم بیل دستی که چا در سیا می داشت با عصا نیت گفت "چرا تو همین می کنی مگر من چا سوم". در روستائی از توابع طالقان روی در منزل یک روستائی نوشته بودند "مرگ بر خمینی فردی از صاحب منزل -  
 پرسید "میدانی چی نوشته اند" روستائی بیرون زحمتکش بلند گفت "بله که میدانم رحمت به شیر آنکس که نوشته گور پدر این پدر سوخته های خونخوار" راننده اتوبوس مسافربری در جواب اعتراضی دونفر که "چرا برای نماز نیکه نداشتی" خطاب به مسافرین گفت "قبلاً" همان راننده مسافربری می کشید تا مردم را فریب بدهد اما در این شرایط شما میخواهید زمین را به آسمان ببرید. با از ۴۰ مسافر ۲۸ نفر نمی خواهند زور که نیست "قصای در حال پیچیدن گوشه در عین بهشتی میگفت "دیگر محبور نیستیم کا غذی خرم توی عکس آقایان گوشت می پیچیم. از این رژیم عکس -  
 های مفت و معانی به ما رسیده است" اما از نیمه آبان به جلوه رعب و وحشت بیشتر تضعیف میشود و دیگر حتی حمله های مذبحها در رژیم نیز تا شیری ندارد. در مورد مبع گذاری هائی چون فروشگاه قفسی و راه آهن جمیندی نظر توده ها را میتوان از زبان یک زن کارگر شنید که میگفت "این مبع کارها حدین نیست همین حزب الهی ها میگذا رند بعد میکوبند گروه های زدا انقلاب گذاشته اند. شما که همه را می گردید پس کی بمبارا می گذارند شاه هم این آخری ها بانگ ها را آتش میزد و میگفت کار ملت است" مرد جوانی زحمتکش در اتوبوس با زبان ترکی و بلند بلند خطاب به کسی که پرسیده بود "زدا انقلاب کیه" میگفت "معلومه زدا انقلاب که شاخ و دم ندارد آنها می هستند که جوانها را میکشند و گردستان را به آتش می کشند" او موقع پیا ده شدن بلند خطاب به مسافرین گفت "گور پدر پدر هر چه زدا انقلاب است" کارگر خیاط خطاب به جوانی که در جمع صحبت میکرد میگفت "تو مواظب خودت باش مرا که می بینی دیگر به اینجا مرسیده هیچ ترسی ندارد فو قش اعدام می کنند از این که بیشتر نیست "چنین نمونه هائی -  
 بسیار است و علت بروز و رشد آنها را میتوان به سادگی از زبان یک راننده تاکسی شنید که میگفت میدانید علتش چیست؟ علتش فشار زندگی است. مردم وقتی می بینند -  
 گوشت نیست، برنج نیست و همه چیز گران است به خودشان میکوبند مرگ از این زندگی بهتر است دیگر از چه چیز ترسند؟ در این رابطه کارگران در بحثها پشتا زند و اقترا خرده بورژوازی با لایحه بخش میانیه هنوز محتاطانه برخورد می کنند و "دول" هستند.

پدیده ای که در انتهای این بخش با بد به آن پرداخت و با بد دقیقاً "مورد توجه به شد عدم حضور فعال پیشرودر حرکات مردم

### رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۸

نیروهای مترقی و... کلاً تثبیت رژیم بود.

حال، با این وجود، رویزپونیتها همچنان قریباً می کشند بند "ج و د" را اجرا کنند و همان را بطرزی انقلابی آنچنان که شورای انقلاب مقرر کرده از قید و بندها برهانند. آنها برای کنخاندن قانون رفرمیستی و مصلحت گرایانه شورای -  
 انقلاب، در پوست شیر، نه تنها ما هیت آنرا از دیده توده ها پنهان میدارند، بلکه با چشم پوشی فرست طلبانه از تیسره های بندج و د که جز لایتجزای این دو بند است آنرا به عنوان قانونی انقلابی بخورد -  
 "خلق الله" می دهند. آنها برای قریبانی کردن توده ها در پیشگاه حاکمیت از هیچ کوشی فروگذار نمی کنند. و همینانکه برای "انقلابی کردن" قانون اطلاعات ارضی بقلب و اقصیات و مسائوری پردازند. آنها نقل قولهای متعدد و عموماً مغربانه اما ماثان را در باره، حقوق "رعایا" بزرگ نویسی کرده و آنرا در بوق و کونسا جار می زنند، ولی فراموش می کنند (یعنی با نسوری می کنند) که حتی برای یکبار عملکرد و نیات اصلی سران حکومت و از جمله امامان را بازگو کنند. بهوا (!) از ظلم می فتنکه اما ماثان گفته است مملکت اسلامی است، مالکیت را بر مسیت می شناسد. .... در مورد زمینها گفته بودند که می خواهند زمین ها را از مردم بگیرند و حلال آنکه در مورد زمین موات که هیچکس در آن زمین کاری نکرده است صحبت درست بود. کسی چه میداند، شاید هم این بهوا لظلمها و فراموشی ها برای شکستن "دگمهای" حاکمیت باشد! ولی چه حیف که این حاکمیت قدر زحمات شان نه روزی ایسان را نشناخته و از روی نا -  
 سیاسی طی اطلاعاتی از طرف تعداد مرکزی و اگذار زمین از ایسان بعنوان "جریانی رنوا" که در کوی و بسوزن شروع به تبلیغات بی هویت نموده یا در کرده است. در جمهوری اسلامی حتی خوشرفی هم جرم است!

بهر حال، از یک طرف این رژیم توانائی و خواست اجرای اصلاحات -  
 ارضی، حتی در همان محدودتاقانون رفرمیستی شورای انقلاب را ندارد، این دیگر از بدیهیات است. و این امر نیز با بدتاکتونی بر اساس تجربه چندسال اخیر روشن شده باشد که رژیم زمانی تن به عقب نشینی می دهد که تحت فشار جنبش های توده ای و دهقانی قرار گرفته باشد و این نیز به ثبات رسیده است که وقتی فشار بر طرف شدویا کاهش یافت، رژیم همان ساز قبلی را میزند و کلیه تمهیدات خود را زیر پا می گذارد. از طرف دیگر، قانون اصلاحات ارضی (از جمله بند ج و د آن) نمی تواند بدین سخوی مطالبات تاریخی و نویین دهقانان باشد. این را دهقانان انقلابی خود، پس از قیام، در عرصه کارزار واقعی بعینه نشان داده اند که چه می خواهند و چگونه می خواهند. بنا بر این، در این مرحله از انقلاب و با توجه به دست آوردهای جنبش های انقلابی دهقانی، با سخوی سه سه مساله ارضی و دهقانی از طریق "اصلاحات ارضی" دموکراتیک و ما دره انقلابی زمین و کلیه وسایل تولید میندان را بزرگ و واگذار می آنها به دهقانان از طریق -  
 شورا های دهقانی و لنینو کلیه دیون دهقانان به بانکها، زمینداران و ورسا -  
 خواران "میراست. میراست. میراست

# ابعاد نوینی از جنایات رژیم جمهوری اسلامی

## سخنی کوتاه با اقلیت‌های مذهبی

بقیه از صفحه ۱

ایلامی را چون دیگر اقشار و طبقات غلظت متحمل شوند، نه تنها با بدبختی روز افزون، بیگاریها نمان برانداز، جنگ ارتجاعی، کمبود مواد اولیه مورد نیاز، بی مسکنی و صدها سختی دیگر با بردوش کشند، نه تنها با بدچون دیگر کارگران کشتار شوند، نه تنها با بدچون شما از زمینکشان استعمار و غارت شوند، بلکه ستم و سرکوبی جداگانه‌ای نیز بر آنان اعمال میشود. ستمی تنها به خاطر شیعیه نبودن، ستمی تنها به این علت که مذهب حکما مدزخم بر اندازند.

ما بارها در این مورد سخن گفته‌ایم. گفته‌ایم که چگونه رژیم اقلیت‌های مذهبی را شهروندان درجه دوم و هموطنان بیگانه با ما می‌داند. گفته‌ایم که چگونه انسان را "نجس" محسوب می‌کنند و حتی در برخی موارد از ورودشان به منازل و مراکز عمومی جلوگیری می‌کنند. گفته‌ایم که چگونه از استخدام آنان در بسیاری موارد جلوگیری میکنند، حق تحصیل مساوی آنان را زیر پا می‌نهند. گفته‌ایم که چگونه آنان از سوی مرتجعین مورد آزار قرار می‌گیرند و حتی حق برگزاری آزاد مراسم مذهبی خود را نیز در بسیاری موارد ندارند. گفته‌ایم که چگونه رژیم حق تحصیل به زبان مادری را نیز از دست آنها برده‌اند. گفته‌ایم که چگونه تصدداً بر آنان سلب کنند و چگونه تمام حقوق انسانی آنان را زیر پا نهاده‌اند.

آخرین حرکت سرکوبگرانه رژیم در رابطه با اقلیت‌های مذهبی سلب حق تحصیل بی زبان ارمنی در مدارس ارمنی و همچنین سلب حق جلوگیری از وجود مدارس اقلیت‌های مذهبی بود که اتحاد و مبارزه توده‌های زمینکشان این اقلیت‌ها و خاصه مبارزه زمینکشان مسیحی در این مورد بسیار به عقب نشینی شد. اما این یک زخم خورده در مقابل این عقب نشینی دیگر حرکات ضد انسانی خود را شدیدتر نموده‌است.

رژیم جمهوری اسلامی که انسانها را تنها برده، سرما به میخواد، و زنان را چون کالای بی ارزش، و با ابزاری جهت ارضای حیوانی ترین امیال می‌نگارد این سبک دست به اعمالی میزند که به جرات میتوان گفت تنها در قدرت امام "مزدوران" است و سبک دستش در شکر و بیکاری برای چندمین بار دختری زرتشتی توسط فالانژهای حکومتی ربوده شده و بی‌زور - به اطلاع پس از اسلام آوردن - به عقد مزدوری از مزدوران سرما به درآمده‌است. این تجاوز به عنف آشکار که برای چندمین بار در شهر بزد صورت می‌گیرد زیر نظر مستقیم آیت الله مرتجع مدوقی نماینده امام و "امام جمعه" استان انجام میشود. ما خرابدین قرار است که دختران زرتشتی در راه مدرسه، در راه خرید، و یا از خانه دوستانشان زورور ربوده میشوند و خانه مدوقی مزدور برده میشوند.

از این بی‌احوال آنان اطلاعی بدست نمی‌آید و تمامی ارگانهای دولتی نیز از بی‌گیری ما جراسر باز می‌زنند. پس از مدتی روشن می‌گردد که دختر "به عقد شرعی" با سزا، کمیته‌چوبی مزدور دیگری درآمده است و حق ملاقات با خانواده خود را نیز ندارد. در آخرین مورد پس از بی‌گیری های فراوان از سوی خانواده دختر

از سوی مقامات مسئول به آنان گفته میشود در خانه بمانید دخترتان به شما تلفن می‌زند و میگوید که از سر و غم و میل سلیمان شده است. پس از مدتی دختر تلفن می‌زند. ابتدا با التماس میگوید "مرا نجات دهید" اما پس از "ارشاد از پشت تلفن" که توسط کتک و ضرب و شتم صورت می‌گیرد می‌گوید "من با رضایت خودم آمده‌ام" و تلفن قطع میشود.

بهر روز تکرار این اعمال ضد بشری زرتشتیان را بشدت به خشم آورده‌است چنانچه در جلسات پرشوری این اعمال را بشدت تقبیح و محکوم کردند و خواستار انجام اقدامات عاجل و شدیدی در این مورد شدند. از همین رو لازم دیدیم در سخنی کوتاه با زمینکشان اقلیت‌های مذهبی، رهنمودهایی به نیروهای انقلابی و پیشرو آنان بدهیم تا در رابطه با پیشبرد مبارزات این بخش از توده‌های تحت ستم آزار بگیر گیرند.

مورثه‌های حرکت ما رشتادگانه‌ای است که در آن در راستای تداوم بخشیدن به انقلاب و به قطعیت رسانیدن آن است. روشن است که این اعمال تنها در کوران مبارزه طبقاتی است که تکمیل می‌گردد، تنها سخن بر سر اینست که چگونه و به چه طریق باید این مساله را به پیش برد. ما در اینجا جهت هر چه مشخص تر بودن رهنمودها و تحلیلها، ابتدا رهنمودها را در رابطه با اقلیت مذهبی زرتشتی بخصوص در مورد مساله مشخص موجود ارائه میدهم و آنگاه از میان این سخنان خطوط کلی رهنمودهای عمل برای حرکت نیروهای انقلابی در میان اقلیت‌های مذهبی را مشخص می‌کنیم.

انجمن فدائیان زرتشتیان (تهران) که در ابتدای شکل گیری خود با حرکتی انقلابی، با اتکاء به توده‌های زرتشتی و بیرویه‌ها - های انجمن ارتجاعی قلبی دیدگاه دارد است نیروی است که در شرایط کنونی مردم زرتشتی اکثریت آنها نمایندند خود میدانند. این انجمن دارای ترکیب و سیاستی بیگانه با اقلیت است که با وجود برخی نیروهای دمکرات و انقلابی در آن کاملاً قابلیت را در یک لایزه شدن و همراهی با حرکات توده‌ها را داراست. از این رو باید دید جهت هر چه را در یک لایزه ترک کردن این انجمن و پیشبرد سیاست انقلابی در آن چه باید کرد؟

۱- نیروهای انقلابی باید در جلسات علنی انجمن شرکت نمایند و در آنجا - خواسته‌های توده‌ها و راه‌های انقلابی عمل مشکلات را طرح کنند. این حرکت با عصب تقویت نیروهای دمکرات و انقلابی انجمن و در یکال تر شدن آنان میگردد.

۲- نیروهای مترقی انجمن باید به ارشادات تنگ تنگ شری ما توده‌ها برقرار کنند. باید مسائل را از طرق مختلف و کاملاً متنوع از طریق شرکت در اجتماعات مردم از طریق نشریات، اعلامیه، نوشتجات دیواری (با امضاء و بصورت کاملاً علنی) با مردم زمینکشان در میان بگذارند و از این طریق پشتیبانی آنان را جلب نمایند و

بکوشند مرتجعین را منزوی و طرد کنند.

۳- نیروهای انقلابی چه در درون چه در بیرون انجمن باید تمام توان خود را بکار گیرند تا انجمن بشکلی مرتعی (ماهات یا یکماه و ششم یکبار) جلسات عمومی و همگانی برقرار نماید. باید توده‌ها را وسیعاً در رابطه با شرکت فعال در این جلسات تبلیغ نمود.

۴- این جلسات باید به سرری سیلان کار بین و انکسای خواسته‌های توده‌ها در رابطه با تمام مسائل اختصاصی باشد. در این جلسات باید نیروهای ارتجاعی انجمن افشا گردند و از این طریق در میان توده‌ها منزوی شوند.

۵- در مورد این مساله مشخص باید کوشید تا انجمن را وادار ساخت تا بر حرکت اعتراضی توده‌ها صحنه بیند و آنرا در جهت احقاق حق و کشتن با اشکال تعرضی و در شکلی انقلابی از جمله راه هیماشی، تحمن و ... به پیش برد.

\*\*\* میتوان در کل نتیجه گرفت که مساله انقلابیون و نیروهای مترقی در میان اقلیت‌های مذهبی باید در زمین تشکیل و رشد از زمانها، انجمنها و کانونهای توده‌ای و مترقی، نیروی کافی در رابطه با مقابله با تشکیلاتی بیگانه بسنی و حتی زردک - بخصوص توهم توده‌ها را بخود جلب نموده‌اند. بنهنگند و از این طریق در زمین کوشش را در یک لایزه ترک کردن حرکت این تشکیلات آگاهی را به میان توده‌های زمینکشان برسانند. باید در زمین بهره‌گیری از مبارزات قانونی، مبارزات توده‌های اقلیت‌های مذهبی را به مبارزات انقلابی ارتقاء داد. هر چند وسیعترین توده‌های این مذهب کوچکترین توهمی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ندارند. ولی این بیگانه معنای درک لزوم مبارزه انقلابی بر ضد این رژیم نیست. از این رو باید در عمل و در تجربه به آنان نشان داد که سرکوب انسان و پایمال حقوقشان نه بدست یک پاسدار، یک کمیته‌چوبی، یک شهردار، نه بدست معاون آموزش و پرورش، نه بدست مدوقی و دیگر مرتجعین چون او، بلکه بدست رژیم جمهوری اسلامی است. باید به آنان آموخت که باید در جهت سرنگونی این رژیم مبارزه کرد. مبارزه ما این مطالب از مبارزه انقلابی با رژیم جدا نیست، باید به آنان آلتروناشی - های انقلابی را شناساند.

در این مبارزه مثلاً انجمن زرتشتیان نامه نگاری به سران رژیم را بیگانه می‌کند و با نفوذ خود هر چند به سختی اما به صورت مردم را دنبال خود میکشاند. باید از طریق این حرکت را افشا کرد و راه حل انقلابی را ارائه داد. با بیروشنی کرد که رژیم در مقابل نامه عقب نمیشیند این شکل و مساله ماست که او را عقب می‌نشانند. او از طرف دیگر با بدبختی از انجام این تجربه و شکست آن - یعنی گرفتن جوابی سربالا از رژیم، آنرا الگو نمود و در حرکات بعدی با استناد به آن مقابل شیوه‌های رفهرمیستی ایستاد. این رهنمودی است جهت تمام مسائلی انقلابیون و نیروهای مترقی، نباید از این بقیه در صفحه ۱۵

# هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

### نقد و بررسی يك گزارش

از ساعت نه شب به بعد نیت ها را به افراد  
مخصوصی می فروشند. بعد هم خود کرا را خلیفه  
مخارجه خارج کردند و رفتند. مردم ما بیوش یکی  
یکی با غرولند رفتند. روی دیوار نژاد رنگ  
شبه نیت شعاری از زمان شاه با حفظ درشت  
توی تریجای مانده بود. کمیونیت و ...  
بیشتر به دستور شاه خاش

گزارش فوقی جدا از نظرسویه نگاشتنی  
و تنظیم و جفا و نظر نشویه گزارشده می موفق  
است. هر چند کاستی هائی نیز دارد که به  
آن اشاره خواهیم کرد.  
رفیق در گزارش و تنظیم گزارش -  
تقریباً تمام میهمانان داده شده  
را رعایت کرده است. گزارش برکا غدی -  
نازک که بریک طرف آن بصورتی خوش خط  
و خوانا نوشته شده است تنظیم شده. اطراف  
کاغذ حدوداً سانتی متر سفید باقی نهاده  
شده که بروی هم با رتبا ب نظم و وقت رفیق  
گزارشگر می باشد.

از نظرسویه گزارشده می، در شروع گزارش  
تاریخ، محل (کرج، بفت) و ...  
با اگراف اول تعداد نسبی، شکل تجمع  
وضیعت و علت تجمع، بیکنلی مختصراً  
گام آورده شده است. این امر خواننده  
گزارش را بخوبی در محیط قرار میدهد و  
اوپا یاری می کند که از همان ابتدا بسا  
موقعیت افراد صحبت کننده و محور سخنان  
آنان آشنا شود. البته ضروری بود که علی -  
الامکان وضیعت طبقاتی جمع (درجه غالب)  
محل یا منطقه ای که صف در آن قرار دارد،  
وضیعت نسبی افراد و همچنین جنسیت آنان  
بتکنلی نسبی در همان پاراگراف اول آورده  
شود مثلاً "کوشود" این منطقه ای از کرج  
است که عموماً کارگر زمین می باشد "بسا  
اغلب افراد زن خانه دار بودند" و ...  
همچنین "اکثر کسان که در صف بودند -  
زنان میان سال خانه دار بودند" نکته  
بر حسته گزارش توجه رفیق گزارشگر ب  
پایگاه طبقاتی افراد تقریباً "حالات بیان  
آنهاست. زنی زحمتکش که دستهای پینه  
بسته داشت "اولاً" پایگاه طبقاتی زن را  
مشخص کرده، دوماً "علت تشخیص خود را  
خیلی کوتاه بیان داشته است یا "مرد -  
جوان کارگری... یا "مردی با ته ریش  
(احتمالاً) مفاز هار بود) ... " که در اینجا  
از آنجائی که تشخیص خود اطمینان -  
نداشته، با واژه احتمالاً و در پرانتز آنرا  
ذکر کرده است. این خط درستی گزارش به  
چشم می خورد و حاکی از بیخوردی دقیق است  
و دقیق در گزارش املاً "حاشیه روی نکرده است و  
در عین حال در میان گزارش خودش اظهار  
نظر ننموده، البته این امر مثبت نافی این  
مسئله نیست که گزارشگر در انتهای گزارش،  
نظر خود را منمکس کند بخصوص که رفیق در  
طول یک هفته چند گزارش ارسال داشته  
و میتواند با توجه به کل گزارشات خود -  
در انتهای آخرین آن نظر خود را نیز منمکس  
نماید.

زن خانه دار دیگری ... با صصت  
گفت "یا برخاش و عصبانیت هر کسی چیزی -  
میگفت"، "مردم ما بوش یکی یکی با غولند  
رفتند" سوار دست که حالات افراد مورد توجه  
قرار گرفته و به بیان خشک و مکا نیکی، زن  
خانه دار میگفت "قناعت شده است اما این  
مواز در تمامی گزارش عبور نیت ندارد و به  
شکل کامل و دقیق رعایت نشده است. نکته  
مثبت دیگر در این گزارش آوردن صحبت های  
مردم بصورت نقل قول مستقیم و بدون تغییر  
و تغییر است این مساله ای است که نا شران  
بسیار را کنداریم. اما برخی از وقت های

ما با را با اهمیت مرکز شده می  
نفسی آن در تعیین تا کشیکها و تحلیلهای  
از زمانی پای فترده ایم و هر توجیه بیست  
از پیش و رقبا به این امر تا کیده کرده ایم  
گنیم که رفقای گزارشگر با نه خرجی کسی  
را که یک فرد عادی قادر به دیدن آن نیست  
عربان کنند و در گزارشات خود منمکس  
نمایند. رفقای گزارشگر تا بدینگونه  
به استقبال رویدادها بروند و توجه داشته  
نگار گزارش وجه در آنکجا است. همچنین  
واقعی شودها از سطح به عینی توجه کنند  
و تمامی این جزئیات را بصورتی با رعایت  
نمایند. در همین راستا است که از این بحث  
هر چند مدت یک با رگزارشی را برمیگزینیم  
و با توجه به رهنمودهای داده شده در مقالات  
ارگان سازمانی "بخصوص در شماره های  
۲۷، ۲۸، ۲۹ (شهریه کار) مورد نقد و بررسی قرار  
میدهیم. از تمامی رفقا نیز میخواهیم  
چنانچه پیشنهادی در جهت ارتقاء سیستم  
گزارشده می در تکلیلات دارت با نواقصی  
در کار ما مشاهده می کنند کتبا به تحریر برسد  
گزارش ارسال دارند.

در اینجا گزارشی را که یکی از رفقا از  
کرج برای ما ارسال داشته عیناً منمکس  
میکنیم:  
کرج - یکشنبه ششم آذرماه سه بعد از  
ظهر، بفت

طبی نسبتاً طولانی بود، با وجودیکه  
عده ای با طرفهای نفت از ساعت دوازده  
ایستاده بودند، اما از وقت فروش خیلی  
نبود. عده ای میگفتند نیت نیست و ساعت  
نه شب گذشته نیت تمام شده ولی شماره -  
دادند که امروز بسا نیم و نیت بگیریم -  
امروز هم که نسبتاً ماند.

زنی زحمتکش که دستهای پینه بسته ای  
داشت می گفت "برای سی لیتر نفت دوروز  
است از خانه وزن دنگی افتاده ام، بچه هایم  
را ول کرده ام و تنوی این صفا مسرم،  
چقدر ما ملت بدبخت هستیم زن خانه دار  
دیگری که سرووضع نسبتاً مرتبی داشت  
با عصا نیت گفت "این حاجی (منظور -  
فروشنده نفت بود) نفت را بین قوم و  
غویب و دوستان و اعضای شورا تقسیم میکند  
تقریباً خودمان است که بهشان چیزی  
نمیگوئیم و گردنمان را کج می کنیم!  
مردی با ته ریش احتمالاً مفاز هار بود)  
داستانی را از ریش شورای محلی تعریف  
میکرد و می گفت (این حاجی را می شناسم  
یکی از آهن فروشهای معروف زمان طاغوت  
است، زمان شاه خودش را در دستا خیز جا کرده  
بود و آهن را در اولیها می فروخت و از این راه  
میلیونر شد، حالا هم خودش را به شورای محلی  
چسباند تا شورش را حفظ کند" این مرد -  
مدعی بود که خودش از آهن خریده و سرش  
گلاهِ رفته است، مرد جوان کارگری ادعا  
میکرد که از ساعت شش صبح که بیسرون  
آمده، تا ساعت سه نتوانسته حاجی تا هزار  
بخورد زیرا به محض رسیدن بخانه محسور  
بوده است بسا بقدرف با بستند، بعدا دامه  
میداد که "حرف بزنی می بردت کمیته که  
فدائ انقلابی، آخرین سی لیتر نفت را در  
مدت یکجا چکارکنم، معلوم هم نیست  
وضع کی درست میشود، حالا همی میگویند  
چنگ، چنگ... در همین گیرودار جوان -  
بلندقد و لاغری که چشمان لوج داشت و  
معتاد به نظر میرسید! زراه رسید، آنها کسی  
که از دیروز شماره داشتند او را می شناسند  
طلویش را گرفتند و دورش حلقه زدند، بسا پر  
... خاش و عصا نیت هر کسی چیزی میگفت،  
جوان معتاد ابتدا گفت که نیت از دیدن  
نرسیده است و بعد که چشم مردم را دید برگردد  
خورد که با حاج شیشه نیت نیستی ندارد و  
فقط دیروز برایش کار می کرده است اما  
میداند که این حاجی به کمک شورای محلی

ما بصورتی بسیار کلی نظرات مردم را خلاصه  
میکنند و به جملاتی شبیه "کاخ خانه داری  
نه خجستی فخش میداد"، "کار سندی ... در  
موزه چا سوسها بدو بپیراه میگفت" و ...  
بسته میکنند که مسلماً "بسیار نا کافیا است  
اما از سوی دیگر نیز بسیار بد صحبت های غیر -  
مخوری مردم را کاملاً توضیح کم و کاست  
منمکس کرد، مثلاً در سخنان دونفر در تاسی  
ممکن است مفاز ریشیاری از سرمای هوا،  
برف آمدن، و اینکه در همان هوا سردتر  
است و ... نیز وجود داشته باشد اما تنها به  
اشکالی شخصائی که ذهنیات شده ها را  
در روابط با مسائل اجتماعی بیان میکنند  
میگردانیم. در همین گزارش بخشی از  
صحبت های مفاز در کارگاه ارتباط سرمایه -  
داران با رژیم را میسرماند بصورت  
نقل قول مستقیم آورده شده است اما بخشی  
دیگر که از مسائل فردی مفاز را در روابط  
با خرد آهن و ... است خیلی خلاصه و کلی  
با نقل قول غیر مستقیم آورده شده است.  
در همین رابطه یکی از نقایب گزارش  
اینست که مخاطبین سخنان و همچنین سخن  
صدا بلندی و کوتاهی آنرا (شخص نمی کند  
مثلاً روشن نیست آیا خان خانه دار بسا  
کارمچروان خطاب به جمع اطرافشان صحبت  
کرده اند یا خطاب به یک نفر که در کنارشان  
است، آیا صدایشان بلند بوده و تا مسی  
اطرافیان می شنیده اند یا کوتاه و زمزمه  
گونه ... ذکراین مسائل در بررسی  
شکل بروز اعتراضات مردم نقش موثری  
دارد. کمبود دیگر گزارش اشکاس مسجرد  
نظرات افراد است در مقابل صحبت هرفرد  
با بدوا کتبی های اطرافیان را نیز هر چند  
مختصراً منمکس نمود. مثلاً داستانی که  
مفازها از حاجی تعریف می کند بطور چشم  
واکتش هائی را در کتبی که گوش میدادند  
برنا نگیخته است یا وقتی زن خانه دار -  
میگوید "تقریباً خودمان است که بهشان  
چیزی نمیگوئیم و گردنمان را کج می کنیم"  
باید مشخص شود مخاطبین او چه عکس العملی  
نشان داده اند، چه گفته اند یا شاید بسا  
حرف او را تا شنید کرده اند یا ... بررسی  
این حالات علاوه بر ذهنیت گوینده، ذهنیات  
اطرافیان را نیز مشخص می کند.  
اما با زرتشرین کمبود گزارش که در وهله  
اول به چشم می خورد نقش فوق العاده منفعل  
رفیق گزارش گرد در بحث است. با وجودیکه  
زمینه بسیار مساعدی برای جهت دادن بحثها  
و طرح ایده های انقلابی بوجود می آید اما  
رفیق هیچ جارکتی نکرده است چنان است  
که املاً "عصا کا می در جمع حضور ندارد -  
سه حاجت شورای فرمانی شده که زمینه  
بسیار مساعدی برای طرح شورای انقلاب است  
در حاجی مسئول توزیع میگوید "حاجی  
بکمک شورای محلی از ساعت نه شب به بعد  
نفت ها را به افراد بصورتی می فروشد" رفیق  
میتوانسته فوراً "حرکتی مناسب را شکل دهد  
و مردم را ترغیب کند که از ساعت نه به بعد  
مراقب باشند و سر بزنگاه با خبر کردن دیگران  
مخ حاجی و شورای فرمانی را بگیرند.  
با توجه به افرامیاتی شدید مردم حتی امکان  
شکل دادن یک "عمل مستقیم" نداشتند  
و وجود داشته است. رفیق با اشاره به شمار  
روی دیوار با طرفات مناسبی گزارش را  
به انتهای می رساند که ناشی از وقت رفتی است  
اما اگر توجه مردم نیز به این شعار جلب میشد  
نه تنها خود مساله ای افشاگرانه بود بلکه  
بحث را نیز ادامه میداد.

نقد و بررسی این گزارش را با این امید  
به پایان میسرانیم که این نقد منتهی  
گردد به جهت تهیه گزارشات کا مکتوب و تقصیر  
تا بتوانیم گزارشات نمونه، بهتدری  
را از رفقا در تشریح درج نماییم.



# مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

از کارمندان دوزن پایه‌دار است که ۲۸ سال دارد و بچه یکسال و نیمه خود را اجباراً به‌داره آورده است. شدیداً از وضع موجود ناراضی است و با عصیان میگوید: پس از این زمان نه ما به مرخصی می‌رویم و نه بچه‌ها به کارها می‌رویم. می‌خواهد حقوق گرفته سرپرست خود را بشناسد، حالاً من را که سه تا بچه دارم از جای قبلی که مهد کودک و شیرخوارگاه داشت برکنار کند. جای دیگری دیگر کارمندان میگوید: تازه همون مهد کودک‌ها را هم بهزیستی شهر به شان را زاپا زده. خانم ولی که دیگر بفشش گرفته میگوید: این طرح زهم به نفع با لاشه‌ری‌هاست و با زپه‌ها هم که وضع خوبی ندارند و یک عالم بچه داریم خانم ۳۰، ۳۵ ساله‌ای که در اتاق بفسلی کار میکند و در ایستاد است میگوید: با ما این بخشنامه‌ها همش برای بیرون کردن زن‌ها از اداره است، همه‌ها بنگارها - شون قبلمه، بهمانه است تا ما را خانه نشین کنند، مستخدم که در حال خارج شدن از اتاق است میگوید: اینها شوری صندوق پول ندارند به این وسیله میخواهند خرج خودشان را در برابر آوردن، ضررش به ما بدبختها میرسد، خانم ولی با حالتی - نا امیدانه میگوید: چیکار کنیم - و صدای محکم خانم ۳۵، ۴۰ ساله در اتاق می‌پیچد که "گور خوانده اندا گره ۱۰۰ تومان هم با شه می‌ندهم ولی نمی‌گذاریم مهد کودک را ببندند تا زها گره برزور ببندند پول - میگذاریم روی هموار یک نفر میخواهد که منزل یکی از ماها بچه‌ها بماند - نگهداری کنند. چون اگر عقب بکشیم بدبخت میشویم. حداقل اینجا دور هم هستیم و دسته جمعی میتوانیم یک کاری بکنیم، اما رفتن شوخانه یعنی دست تنها ماندن - بهر قیمتی شده باید بمانیم"

از صبح شایعه کسر ۲۲٪ از فوق‌العاده شغل حقوقی که در حقیقت مقداری از حقوق است که برای فریب کارمندان به این صورت پرداخت میشود، بر سر زپا بیا بود. ابتدا مسأله کاملاً ناآشنا برای بیگانان میشد، یکی از مردان کارمندان که ۳۵ سال سن و ۷ سال سابقه کار در ادارات ناآشنا تمام شوی راهرو قدیم میزد پس از مدتی وارد اتاق شویبا چهره غمزه‌ای در گوشه‌ای نشست. کارمندی دیگری که ۲۸ ساله است و خرج پدر و مادرش بردوش اوست با عصبانیت میگفت: شنیدید چی شده؟ چندتن از - کارمندان با کنجکاری گفتند: چی شده؟ و او هم با صدای بلند در جویان کسرفوق ماده شغل را گفت. زن ۲۴ ساله‌ای با خشم گفت: معلوم نیست کی نفس کشیدن را از ما میگیرند. بخدا آنقدر از اینها متنفرم که وقتی شب شوهرم اخبار تلویزیون را میبیند اگر حتی یک لحظه باکت باشم و فحش - ندهم بپرسم میگوید: ما ما زپس چرا سکتی ولی چه میشود کرد؟ حرف بزنی دخلت آمده زندگی را بهمه زهرما ز کردند همان کارمندان جوانتر که در ای احسانات مذهبی است گفت: تا با اینها اول بیما وین مختلف سین ما جدائی می‌اندازند و بعد چینی-

تصمیماتی می‌گیرند که ما نتوانیم اتحاد داشته باشیم یکی زحمتها با ما می‌کنند صحبت او را قطع کرده که "چی انقدر شلوغی کردید؟ انوقت که ما می‌کردند نقشه حرف میزدید که حالا دو قالی راه انداختید کارمندان جوانی آهی کشید و گفت: "بفست از جای گرم در میاد، من و شوهرم دو نفری از صبح جون می‌کنیم تازه هیچوقت رنگ میوه را نمی‌بینیم حالا بپوش ۱۶۰۰ تومان از حقوقمان کم بشود چیکار کنیم؟ از کجا بیاوریم، چیکار میشه کرد، به کی بگوئیم کسی که گوش نمیدهد، همین موقع مستخدم که مردمیائالی است وارد شد و گفت: چه غایکی بر سرمان بزیزیم، عقلمه بگه جایی قد ننشیده، بیاید یک قدمه بگشند ما را و احتیاجان کنند. چون ما که از این جوانان که گزافا عدا می‌شوند عزیزتر نیستیم و کارمندان که از اقلیت‌های مذهبی است اما مهاد اگر حرف بزیزیم بعنوان - انقلاب و دجیمپوری اسلامی پدران را در میا و رندوا عدا می‌کنند چیکار از دستمان بر میاید؟ گفتیم: چرا فکر میکنی نباید حرف زد، اگر همه با هم حرف بزیزیم چیکارمان می‌تواند بکنند؟ یکی دیگر از آقایان که او هم دیپلمه است و ظاهراً "وضعش از قبیه بهتر است گفت: اگر کسی اعتراض کرد و بیرونش کردند با کسانی هستند که دنیا لش را - بگیرند با اینکه بکنند فدا شد و قبیه هم جا بزینند، خانم ۳۲ ساله محتاطانه گفت: نه با ما همه جا می‌زینند، بی خود آدم نباید خود را خراب کند، و خانم دیگر با لحن عصبانی حرفش را قطع کرد که "از کجا میدانی، امتحان کن کردی، تا خروج چند نفر در جهت جمعی قطع میشود، خطاب به - کارمندی که احتیاط را توصیه میکرد - میگویم: اگر بخوایم اعتراض کنیم اول - همه با هم شورت می‌کنیم، تصمیم می‌گیریم پیدا اعتراض می‌کنیم - و او با تبسم کوچکی گفت: "با لایحه یا بدهمین کارا بکنیم چاره دیگری نیست."

کارمندان دوزن پایه دولت چون دیگر اقلیت‌ها، بزیر شدیدترین فشارها قرار دارند. حقوقی که در مقابل رشد سریع قیمت‌های تمامی اجناس و ما محتاج روزانه به بهانه‌های مختلف کاهش می‌یابد، اخراج و در واقع عدم وجود امنیت شغلی در شرایط کنونی مشکل عده‌ای است که با عداوت می‌شود کارمندان علی‌رغم تنفر از رژیم محتاطانه عمل کنند، عدم شکل و آگاهی انقلابی این مسأله را تشدید میکند و باعث میشود تا کارمندان از ترس قطع درآمد و در نتیجه اختلال زندگی‌شان دست به اعتراض نزنند. با بد تبلیغ حول تشکیل صندوق - بیکاری را از زمان داده، در جهت ایجاد آن وسایل "کوشش نمود. صندوق بیکاری نه تنها نیازهای خانواده دستگیر شدگان و اخراجیها را تامین میکند و پشتوانه‌ای است جهت مبارزات کارمندان بلکه شکلی که حول آن بوجود میاید منطقه، شکل‌های انقلابی و کمیته‌های اعتماد با کارمندان را در خود دارد. صندوق بیکاری پاسخی است برای این سؤال که "اگر کسی اعتراض کرد، بیرونش کردند آیا کسانی هستند که دنیا لش را بگیرند..."

# اتحاد بودی از حانات

مسئله که توده‌های این مذاهب نسبت به رژیم توممی ندارند این نتیجه را گرفت که اما دنگی کامل جهت مبارزه انقلابی بنا رژیم دارند. این تحلیل غلط، ما را به چه روی و راه‌ها تا کتیکهائی دچار میکند که تنها منزوی شدن را در پی دارد. باید با صبر تمام لزوم مبارزه انقلابی و احیای تنگاتنگ این مبارزه با احقاقی حقوق اقلیتها را توضیح داد و توده‌ها را در تعاریب عملی و روزمره‌شان واقف نمود. مهمترین مسأله را میتوان در لزوم وحدت و تنگ و انعام حرکات عملی در این جهت خلاصه کرد. در دو وجه این مسأله را - بررسی می‌کنیم:

- ۱- باید گوشید و بیشترین توده‌های زحمتکش اقلیت‌های مذهبی را در تشکلهای سازمان سازمان داد. در این رابطه اشکال متنوعی را میتوان در خدمت گرفت از اشکال ابتدائی چون کلاسهای خیاطی و فوق درسی، بیک نیک، کوه، ورزش و... تا اشکالی چون کاشون‌ها، انجمن‌های فرهنگی، سازمانهای جوانان و... مهم اینست که نیروهای انقلابی در پیایند با بندهر تشکلهای توده‌ای موجود نما نیست نمود و با بد جهت ایجاد تشکلهای انقلابی حرکت کرد و کاملاً برداشت، اگر فلان انجمن نشریه‌ای دارد که با تیراژی مناسب در سطح مردم پیش می‌شود یا بد در آن فعالیت کرد، باید آنرا در خدمت اهداف انقلابی در آورد. اگر فلان سازمان جوانان برنامه‌های کوه یا گردش ترتیب میدهد - که اکنون تماماً "بورژوازی و کلاسیک" سیاسی است - باید در آن شرکت کرد و - بحث‌های خود را به پیش برد، اگر جوانان و مردم آنجا هستند ما هم می‌رویم.
- ۲- مسأله‌ای که بخصوص در شرایط کنونی اهمیت بسیاری یافته است، ایجاد وحدتی مستحکم در بین تمامی اقلیت‌های مذهبی است با بد حرکات مشترک بین این نیروها را سازمان داد. تا آنجا که ما اطلاع داریم چنین حرکتی مدتی پیش در گروهی تحت نام "گروه مشترک اقلیت‌های مذهبی" ... نقطه بست اما بی‌ثبات عدم بیکاری و توجه کافی نیروهای انقلابی و همچنین اعمال سیاستهای فرصت طلبانه از سوی برخی نیروها تداوم نیافت. باید با دیدی دیگر چنین تشکلی را که بی‌تواند اقلیت‌های مذهبی را سازمان میدهد و در جهت ایجاد وسیعترین حرکات و اعتراضات مشترک در میان آنهاست سازمان داد.
- نیروهای انقلابی موظفند در میان اقلیت‌های مذهبی با یکدیگر تماس گرفته و در این جهت حرکت خود را متمرکز نمایند، اولین کارها را میتوان بصورت اعلام پشتیبانی از حرکات اعتراضی موجود سازمان داد. با بد برای تمامی توده‌ها روشن ساخت که درد، دردی مشترک است و دشمن نیز دشمنی مشترک.
- در راه پیشبرد این اهداف باید نشیوه‌های گوناگون تبلیغی را در رابطه با توده‌ها بکار گرفت. با بد حداکثر استفاده را از زیربویان، نشریات، مجامع و اجتماعات سنتی و... بکند و در عین حال با بد اشکال دیگر تبلیغی چون اعلامیه‌های -

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست







### قطعنامه درباره گزارش

### کمیته مرکزی موقت سازمان

و با عطف توجه به بنده الف این قطعنامه  
اشعار میدارد که: سازمان (علیرغم  
اشتباهات و ضعفهایی که در انجام وظایف  
خوبش داشته است) برپایه تلاش انقلابی -  
کا درها و هواداران خوبش تاکنون توانسته  
است تا مفداشی رازنده و پرچم پرافتخار  
آنرا بنام شاه چریکهای سازمان پذیرد و موافق  
و وفادار باشد و آری سازمان کارگران و زحمتکشان  
برافراشته نگهدارد.

ج - درباره نقائص و اشتباهات سازمان:  
کنگره در زمینه نقائص کار اشتباهات  
سازمان و بویژه کار در رهبری آن به نتایج  
زیر رسید:

- ۱ - سازمان بدلیل فقدان هدف و نقشه ای  
مطمین برای مدافعه در مبارزه طبقاتی -  
دنیا لرو حوادث بوده - روشنی رویه کرده  
و همچنین انرژی و نیروهای بسیاری را  
هرز داده است. در این رابطه رهبری سازمان  
تلاش مسئولانه لازم را برای رفع این  
نقص اساسی، نکرده است.
- ۲ - سازمان به مبارزه پیدئولوژیک درونی  
و بیرونی بمثابه امری تصفیه کننده و عاملی  
وحدت بخش، بسپاشی نناده و آنرا بسفرا موشی  
سپرده است.
- ۳ - اصول اصلی کار تشکیلاتی (یعنی -  
سانترالیسم، مکرراتیک - انتقاد و انتقاد

کنگره با استماع گزارش که هم، هم، که  
بعدا "با توضیحات فرد، فردا عضای  
که، به شوالات طرح شده از طرف شرکت  
کنندگان بطور نسبی تکمیل گردید. در  
بررسی خود از عملکرد یکسال و نیمه سازمان  
(در زمینه های مختلف) به نتایج زیر رسید:  
الف - درباره اشخاص:

کنگره در بررسی خود از اشخاص در -  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به  
این نتیجه رسید که این اشخاص علیرغم  
اینکه برای دستیابی به "تثوری" انقلاب  
ایران و برای تأمین وحدت اصولی و -  
استماع جیب انقلابی شکل گرفت و در این  
راست با طرح مبارزه با اهدافی اصولی  
(که مبتنی بر ضرورتهای حیاتی جنبشی  
بوده) میرفت که در هر مسم را در جنبش  
کا رگری ایران ایزوله نماید، اما بدلیل  
فقدان درکی روشن از این ضرورت ها و نقش  
تاریخی خوبش، نتوانست در این وحدت -  
کا مهای مؤثری را در راستای وحدت و  
استماع جیب و آنرا در فریمیم، به پیش  
بردارد، از همین رو آنرا اقدامی زودرس  
تلقی مینماید.

- ب - درباره فعالیتهای مثبت سازمان
- ۱ - انتشار منظم روزنامه کار
- ۲ - مدافعه انقلابی سازمان در جنبش  
مقاومت خلق کرد
- ۳ - تدوین نقشه نظراتی درباره استراتژی  
کرا و وضع کنونی و وظایف کمونیستها و ...
- ۴ - حفظ و تأمین امکانات و بیزه (از قبیل  
جیب وغیره)
- کنگره با در نظر گرفتن این واقعات

- ۱ - از خود - دیسپلین و ... برقرار نیست  
سازمان بطور آگاهانه و سیستماتیک تا نظر  
شده است.
- ۲ - رهبری سازمان در کلیه زمینه ها مسائل  
را تنها رفع و رجوع کرده است و بویژه در  
برخورد با بحران سازمان و جنبش، برخورد  
درستی نکرده است.
- ۳ - گزارشات و گزارشگری در رهبری سازمان  
عملکرده است و بویژه خود را در عدم احساس  
مسئولیت در قبال وحدت جنبش کمونیستی  
نشان داده است.
- ۴ - رابطه زنده ای بین رهبری و کل  
سازمان با توده ها، وجود نداشته است و از  
اینجهت از انرژی ها و استعدادها صرفاً  
تشکیلات به نحو شایسته ای استفاده نشده  
و تجربه های سازمان به آنها منتقل  
نگردیده است.
- ۵ - به امر آموزش و تربیت کارها بی توجهی  
کامل شده است.
- ۶ - "تدوین برنامه" (مطروحه در کار شماره  
۸۷) به مثابه اقدامی بلند پروازانه و  
غیرواقع بینانه، در دستور کار سازمان  
قرار گرفت.
- ۷ - کنگره با آگاهی به این واقعیت که  
بخش مهمی از اشکالات فوق بدلیل نداشتن  
ضوابط و مناسبات معین و سازمان دادن  
تشکیلاتی (ماستامه و ...) بروز کرده است  
ایمان را سخ دارد که برپایه دستاوردهای  
عظیم و دشمنون های گرانبهای این مجمع  
عالی، سازمان اشتباهات و خطاهای خوبش  
را تصحیح و در جهت اهداف اصولی و انقلابی  
خود، گامهای بلندی را به پیش برخواهد  
داشت.

### ارزیابی ذهنیت حاکم بر توده ها

بقتیاد ز صفحه ۱۲  
است. اگر حرکات خود بخودی است خود به  
خودی نیز پایان می یابد. برنا نه ندارد  
و پیگیری و تدابیر نمی یابد. رفیقانی از  
جنب مینویسد "آنچه در برخورد با مشهود  
است کمیود نیروی بیشتر در جنبش و ضعف  
سازماندهی منظم و منسجم نیروهای بومی  
بالاخص در جنبش دهقانی است" رفیقی از  
شمال مینویسد "اعتمادات در ورود سربسته  
علت فقدان رهبری و نبود برنامه -  
موفقیت رسید" از کارخانه ای گزارش -  
میشود "موج آگاهی روز افزون کارگران  
به مسائل جامعه تقریباً یک نوع مبارزه -  
خود بخودی بین کارگران آنهم بخاطر  
عدم حضور رتفا عال بوجود آمده است"  
و در گزارشی دیگر آمده "در این میان های  
تسلیمات و تسبیح و دامنه دار سیاسی از -  
جانب نیروی جیب بسیار خالیست  
هرچند این ضعف با بدیشکلی ریشه ای  
بررسی شود - و تا حدودی نیز در کنگره -  
سازمانی بررسی شده است - اما در این

- گزارشات به سه مورد اشاره میکنیم.
- ۱- اینکه ما نه در مرحله افشای رژیم، که  
در مرحله طرح سرنگونی انقلابی آن هستیم  
رژیم رسوای خاص و عام شده است ما با یک  
از خم و نفرت توده ها استفاده کنیم و  
ساله سرنگونی انقلابی، شکل و تبلیغ  
توده ای را با انگشت نهادن بر تجربیات  
آنها محور و اساس تبلیغ خود قرار دهیم.  
توده ها را با بد در این رابطه به قدرت خود  
آگاه نمود.
- ۲- در اعتراضات گروهی پیوسته با پسند  
مترصد بود تا ساله انتخاب نمایند و را -  
مطرح نمایند و از مترصدین بخوانیم -  
برای پیشبرد خواسته های شان کسانی را که  
مورد اطمینان هستند انتخاب کنند تا  
ساله را با پیگیری نمایند. به این طریق  
میتوان نطفه های کمیته ها و شوراهای  
انقلابی محلات و یا دیگر تشکیلاتی توده ای  
را شکل داد.
- ۳- گزارشات نشان دهنده این موضوع -  
است که در حرکات جمعی مبارزاتی، پیشرو  
بعلت امکان شناسائی شدن و جوهر کمبود  
نقشه در صفحه ۱۱

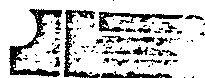
میان زوی سخن ما در چهارچوب برخورد  
با گزارشات با رفقای هواداران است. رفقا  
چه در بحث وجه دردا من زدن به اعتراضات  
و ابتکارات توده ای از مردم عقب هستند.  
در اکثر گزارشات دیده میشود که نقش خود  
را عمدتاً "در چهارچوب افشاکری رژیم  
و تا شنیدناشته های خود مردم ایفا میکند  
و یا تا سب با ترسکوت می نماید و آنجا که  
توده ها دست به عمل میزنند دنبال آنها  
روان میشوند. طرح آلترنا تیوهای  
انقلابی و ارتقاء مبارزات توده ای و سمت  
و سودادن به آنها به تدریج دیده میشود -  
متأسفانه با بدیشکلیم رفقا به رهنمودهای  
سازمان آنگونه که باید و نشاید توجه نداشته  
اند و این را گزارشات ما بشکل بارزی  
نشان میدهد. مصلانه از رفقا میخواهیم  
رهنمودهای ارگان را در چند ماه اخیر -  
مجدداً "عمیقاً" مورد بررسی قرار دهند و  
بخصوص به شیوه برخورد مقالات تبلیغی  
کا رور رهنمودهای ارائه شده در رابطه با  
تبلیغ توجه کنند و آنها را در بحث های  
سیاسی بکار گیرند.  
در اینجا بشکل مختصر با توجه به

کارگران مبارز و انقلابی!  
شورا قدرتی است که از منافع شهادت مقابل  
استثنا کارگران و رژیم حاکم سرمایه داری دفاع  
میکند رژیم که در سه سال حکومت خود شورا  
های واقعی را سرکوب و منحل کرده است چگونه  
میتوانند طرفدار شورا های کارگری باشند؟!

تاریخ شماره ۱۵ - ۶۰/۹/۴  
کارگران پیشرو - خراسان

کارگران آگاه و انقلابی!  
در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ارضا  
کردن دستمزدها کارگران که کمتر از قیمت یک  
کیلو گوشت است، خود داری میکنند برای فرز  
کارگران وعده وام مسکن میدهد -

تاریخ شماره ۱۷ - ۶۰/۹/۴  
کارگران پیشرو - خراسان



### اخبار روستائی

کامساران - ۶۰/۱۰/۱ - به پاسدار در دستهای اطراف آبادی توره ریسه در دو کیلومتری کامساران یک جویساز را که جهت خریدگاو و گوسفند... قصد رفتن به روستای اطراف را داشته است گرفته و پس از کتک کاری مفضل نام سرمایه او را که حدود ۱۵۰۰۰ تومان بوده از او گرفته اند و دوروهایش کرده اند.

پارس آبادستان - نیمه های آذر - مدیر اداره باغات میوه کشت و صنعت نام علی رضا فرح سا که سابقاً "رضی جهاد سازندگی" بود متاهلی، آگاه می وشتا رکارگران شوش بالاخره به اتهام اختلاس چهارمصد هزار تومان پول نقد و با قرار ۵۰۰ هزار تومان دستگیر شده و روانه زندان منگیسن شهر شد. کارگران شرکت کشت و صنعت و صنایع زحمتکشان اداره موربا غسات و صنایع دستگیری این مزدور مکتبی رژیم را در باغ اداره حتن گرفته و در این حتن هریک از کارگران از جبا و لگریها و در زبیهای این مدیر معان و وزیر برده - برمی داشتند و از غارت میوه ها و خشکا نیدن درختان و اخراج کارگران سازو... و از دروازه مدکلان آنها محبت می کردند.

دشت مغان - در پی باز دید منگینی از دشت مغان به پارس نیز آمده بود. در این باز دید کارگران کشت و صنعت از ظلم و ستمی که پیش از چهار هزار نفر از کارگران کشت و صنعت هر روز می کشند و به قول یکی از کارگران جز گوش مسئولین جبا و لگر، گوش فلک را کر میکنند و در عوض پشت کارگران راخم کرده است سخن گفتند. نماینده کارگران که با هزار ماطت و بافتناری کارگران چند دقیقه ای وقت گرفته بود تا در نماز جمعه محبت کند توانست به قسمتی از مشکلات کارگران و مسائلی که با آن درگیرند بپردازد.

وای در سخنانش صحنه اشاره به تورم و بحران مالی موجودیه افتاد. گری در مورد حقوق های ۱۵۰ هزار تالی الی ۲۰۰ هزار تومانی مسئولین برداخته و در مقابل از حقوق ناچیز ۱۸۰۰۰ تومانی کارگران به شکایت برداخت وی در قسمت دیگری از سخنان خود به هجوم تورجمنان مسئولین شرکت اشاره شریفنایا به مغان از زبیهای حاکم بر شرکت از عدم توجه به سیکار این منطقه، اخراج مدها نفر از کارگران و کارکنان شرکت و در عوض استخدام مدها نفر از مزدوران رژیم، از بی حساب و کتاب بودن مخارج شرکت و جبا و لوده، مملکت از اخراج و حرمه کارگران به خاطر مستی میوه، از ما مورت رفتن هفت شهر برای فروش ۱۵ - را س گوسفندها، اردبیل، از با پمال شدن یونجه های شرکت از تهدید کارگران به نوطنه انحلال شرکت کشت و صنعت علیبرغم خواست کارگران، جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگران، حذف و میل بودجه های کلان در کار برداری، انحلال شرکت تعاونی ارتا سس فرونگاه مستقل با بودجه کلان به منظور بیدن آزادانه و کوتاه کردن دست چند نفر تصمیم گیرنده و در نهایت تکرار زبیهای طاغوت و ارمال جدیدین کامیون محموله از بهترین میوه هایه آبات عظام و... برداخت کارگران - متدا "تما می سخنان نامانده خود را تا شده می کردند. کارگران نامتکبیرشان در تا شیدسخنان نماینده خود فضای سالن شهرک کشت و صنعت را به لرزه در آورده - سودنتا جاشکه چند نفر از کارگران به با خواستندتا هریک از ظلم و تعدی که در سخنان روا شده در قریب در آ ورتند که با پاساران سرمایه مانع شدند. تا اینکه بالاخره منگینی پشت میگردن قرار گرفت و

برای فرار از با سگوشی به خواست کارگران گفت: من مسئول مملکتی نیستم! ولی متعهد سخنان آنان را به گوش مسئولین مملکتی برسانند! در حالیکه کارگران بیج بچکنان اعتراض خود را ابراز می داشتند، مشکینی صحنه را ترک کرد.

کرمانشاه - ۶۰/۹/۲۲ - بعد از دوام بیمن ماه خوش نشینان روستای "قوزیوند" روستائی نزدیک بیستون در کرمانشاه ۲۵ هکتار از زمین های مالک روستا - تا زده دولت شاه می اما در انقلاب منتهی کرده و زمینها را بین خود تقسیم نمودند و بهر نفر بینه یک تا دو هکتار میرسد. - کتا ورزان تا با شیرا سال زمینی ها را کشت می نمودند. در پی شیرا سال شیخ علی نجفی "گا ندید مورد تا شید اکثریتها - به روستای مزبور رفته و به خوش نشینان می گوید زمینها این ده را غیر قانونی! معادله کرده اید و با یزد زمینها را سکه مهر علی عزیزی" سا شرمالک پس بدهید و گرنه زندانی میشوید. خوش نشینان به علت عدم آگاهی کافی ترسیده و زمینها را پس میدهند تنها یک نفر مقاومت میکند، او را به دادگاه انقلاب کرمانشاه میا ورتند و محاکمه و زندانی می کنند تا بالاخره حاضر میشود زمینها را پس بدهد و آزاد میشود.

ع - بخش کهواره - قاسم خان حق - نظری، معروف به قاسم خان جوی از فخرآباد لاهی معروف این منطقه با حمایت پاسداران ضد خلفی سرمایه به زور اسلحه زمینها را که در روستا شیان زحمتکش پس از انقلاب معادله و کشت نموده بودند با پس گرفته است. اخیراً "قاسم خان به جهاد سازندگی رفته و می گوید: با مخارج خودم زمینها را خوا هم کاشت و محصولش را با جهاد تقسیم می کنم. "چهار ده همراه سیاه به وی کمک نموده با زور اسلحه زمینها را از دست کتا ورزان زحمتکش بیرون آورد. هم اکنون ۱۴ نفر از کتا ورزان زحمتکش نیز دستگیر شده و در زندان بزم میبرند.

### "شورای انتصابی"

### بخشدار رودبار قصران،

### برای اهالی روستای لالان،

پس از پیروزی قیام بیمن ماه ۵۷، و با کسترش و شکل گیری شوراهای فرهنگ شورائی در سراسر ایران، اهالی روستای روستای لالان (واقع در ۵۰ کیلومتری شمال تهران) نیز در تابستان ۵۸ دست به تشکیل شورائی زدند که متاسفانه به علت توهمی که نسبت به رژیم و عناصر آن داشتند، نمایندگان انتخابی نمودند که ترکیبی از عناصر سرسازگار و مروج بود. اما دیری نپایید که این شورا در مقابل اراده و خواست اهالی روستا قرار گرفت و مشروعیت خود را همراه با رژیم جمهوری اسلامی از دست داد. حتی کارجائی رسید که شورا، تحت فشار اهالی روستا مجبور به استعفا شد.

بعد از گذشت زمانی چند و بدنبال شکل گیری فرمایشی انجمن اسلامی در روستا (که البته از همان ابتدای شکل گیری اش مورد تفرق و انزوا قرار گرفت اهالی بوده و دست ) گذندار مروج که همان میسرورد تا تشکیل انجمن اسلامی، شورائی فرمایشی بر سر کار میا ورتد، به انجمن ابلاغ نمود که شورائی در روستا تشکیل دهند و در ضمن صلاحیت نمایندگان آن را خود انجمن تا تعیین کند و بعد از آن گیری شود. اهالی زحمتکش روستا که پیشاپیش -

نمایندگان خود را انتخاب کرده بودند تا آگاهی یافتن از اهداف انجمن اسلامی از این انتخابات و شروع پذیرش کاندیدها - انتخابات را تحریم کردند (لازم به توضیح است که انجمن صلاحیت هیچکدام از نمایندگان منتخب اهالی روستا را تا شید نکرده بود) با این تحریم، عملاً "انتخاباتی صورت نگرفت و جریان تشکیل شورا بدست فراموشی سپرده شد، تا اینکه در آذرماه اهالی روستا با کمال شعوب متوجه شدند که بنا به دستور بخشدار شورائی از عناصر مورد تا شید انجمن اسلامی تشکیل شد و بدون رای گیری و تنها با تا شید بخشدار و انجمن اسلامی (به عنوان شورای اسلامی روستا) لالان معرفی شد! در پی این اعمال اراده، امت همیشه در صحنه! اهالی روستا نشانه رسمیت شناختند، بلکه با طرد و منزوی کردن آن، سرنوشتی راه همچون سرنوشت همزادش انجمن اسلامی، برایش رقم زدند.

### اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱۷

قراری دهند یکی از پاسداران که با لهجه امفها تی صحبت میکرد بعد از بازدید بیگ پیر مرد را که لباس مندرسی به تن داشت - با شین آورده و بعد از گذشتن ساک او را نگاه داشته به ما شین دستور حرکت میدهد. یکی از جاشهای مزدور ملمان کرد که در آن مقرر بود، به پاسدار اعتراض کرده که "تو چرا فقط کردها را از ما شین با شین میا ورتی؟ چرا مرد را ازین می کنی؟ اگر راست می گوئی ما شین های آخرین سیستم را باز زدیدکن مشا جره شدیدی بین آنها در می گیرد و بالاخره با پاسدار میگوید: ما نمی گذاریم شما بازدید کنید و هر چه گوئید ای ودمکرات هست رد می کنید. این برخوردشان میده که رژیم حتی به مزدوران خود اعتماد نداشته و این عدم اعتماد ناشی از رشد روز افزون مبارزات توده ها و عدم توانائی رژیم در برخورد با آن

می باشد و در نتیجه احقانه تصور می کنند علت اینکه نمی توانند نیروهای انقلابی را به زانو در آورند خبیانت مزدوران خودشان است

### ارزیابی ذهنیت حاکم پر...

بقیه از صفحه ۱۷

شدید میدان عمل کرده محدودی دارد و مقبول معروف دستش برای پیشبرد کارها نیست برای رفع این مشکل باید از سوسی در جهت راه حل اساسی آن یعنی سازماندهی کمیته های مخفی مقاومت "گام برداشت (ما در این مورد مفعلاً سخن خواهیم گفت) و از سوی دیگر بطور مقرر ماتی و فوری از "دست نویسی" استفاده کرده می توان با سرعت کافی دستنویس های بسیار کوچکی در مورد مساله مورد اعتراض، بسیا رهنمود های سازمان یا جمع بندی خواسته های معترضین و یا ارائه شیوه های پیشبرد مبارزه و... تهیه و توزیع کرد، حتی - پخش ۲ یا ۳ عدد از این دستنویس ها - در شرا یطی که دیده شده توده با سیرامت آشنایین خود می چرخانند. کاملاً موثر است.

رفقا! انقلاب به سرعت روبه کسترش می نهد و انرژی فوق العاده ای برای سازمان دهی خود طلب می کند. جمع بندی گزارشات آبان و آذر چشم انداز اعتلانی نوین را پیش روی ما گشوده است با بسید برای کوبیدن مهر خود، مهر پرولتاریا برای جنبش تمامی توان مان را بکار گیریم.

ادامه دارد

# اسامی شهدای آذرماه

چهارشنبه ۲۳ دیماه ۶۰  
شماره ۱۲۲ صفحه ۱۹

اسم	تاریخ	محل شهادت	شماره	توضیحات
فرشته صبغی	۱۲۶	گروه	۶۲	
سیمین زهرا	۱۲۷	گروه	۶۲	
زهرا یزدی یار	۱۲۸	مجاهدین	۶۳	
حمید شراق	۱۲۹	مجاهدین	۶۵	
محمدحسین حسینی	۱۳۰	مجاهدین	۶۶	
عبدالحمید صفائی	۱۳۱	مجاهدین	۶۷	
شهرزاد دوحیدی	۱۳۲	مجاهدین	۶۸	
علی اکبر محمدزاده	۱۳۳	مجاهدین	۶۹	
کریمانی	۱۳۴	مجاهدین	۷۰	
سیمین نوری نیک	۱۳۵	مجاهدین	۷۱	
هما بون خیا ط	۱۳۶	مجاهدین	۷۲	
نا درخظری	۱۳۷	مجاهدین	۷۳	
مطفی مجدآبادی	۱۳۸	مجاهدین	۷۴	
محبوبه استوار	۱۳۹	مجاهدین	۷۵	
غلامرضا خضرا شیدا	۱۴۰	مجاهدین	۷۶	
حسن قنبری نژاد	۱۴۱	مجاهدین	۷۷	
احدالله خا ذقی	۱۴۲	مجاهدین	۷۸	
نا هیدرودگرسی	۱۴۳	مجاهدین	۷۹	
فرح بهرامی	۱۴۴	مجاهدین	۸۰	
محمدحسین هاشم	۱۴۵	مجاهدین	۸۱	
محسن نجم آبادی	۱۴۶	مجاهدین	۸۲	
رضا شجاعی	۱۴۷	تهران	۸۳	
عباس مرادیان نژاد	۱۴۸	شیراز	۸۴	
محسن زراعی	۱۴۹	مجاهدین	۸۵	
سید عباس هاشم زاده	۱۵۰	مجاهدین	۸۶	
نا هیدمقسی	۱۵۱	مجاهدین	۸۷	
امیربا مردوئی	۱۵۲	مجاهدین	۸۸	
محمدرضا جلیسی	۱۵۳	مجاهدین	۸۹	
مهرناش	۱۵۴	مجاهدین	۹۰	
مهرداد	۱۵۵	مجاهدین	۹۱	
خاندنما رکبسی	۱۵۶	مجاهدین	۹۲	
حمیدکسرا شیان	۱۵۷	مجاهدین	۹۳	
حسن منزوی	۱۵۸	مجاهدین	۹۴	
محمدقلنجی	۱۵۹	مجاهدین	۹۵	
مجتبی هاشمیان	۱۶۰	مجاهدین	۹۶	
تقی عظیمی	۱۶۱	مجاهدین	۹۷	
رامین قنبری	۱۶۲	مجاهدین	۹۸	
سیدفیا دشتوی	۱۶۳	مجاهدین	۹۹	
مرتضی صفرزاده	۱۶۴	مجاهدین	۱۰۰	
محمدحسین	۱۶۵	مجاهدین	۱۰۱	
نوروزکریمی	۱۶۶	مجاهدین	۱۰۲	
مهدی جانی	۱۶۷	مجاهدین	۱۰۳	
پوسفیان	۱۶۸	مجاهدین	۱۰۴	
محمدتقی شهیدیان	۱۶۹	مجاهدین	۱۰۵	
عادی حقانی	۱۷۰	مجاهدین	۱۰۶	
رحمت طالب نژاد	۱۷۱	مجاهدین	۱۰۷	
فداش خلق	۱۷۲	مجاهدین	۱۰۸	
بهروز جلاهی	۱۷۳	مجاهدین	۱۰۹	
علی ملک محمودی	۱۷۴	مجاهدین	۱۱۰	
یدالله روشن	۱۷۵	مجاهدین	۱۱۱	
سیدداریابی	۱۷۶	مجاهدین	۱۱۲	
صفانا مداری همت	۱۷۷	تهران	۱۱۳	
محمداسکندری	۱۷۸	تهران	۱۱۴	
محسن مرتضوی	۱۷۹	تهران	۱۱۵	
علیرضا بهاری پور	۱۸۰	تهران	۱۱۶	
فرگوشی	۱۸۱	تهران	۱۱۷	
جلال پورحسینی آزاد	۱۸۲	تهران	۱۱۸	
اسما عیال کارگر	۱۸۳	تهران	۱۱۹	
یدالله پورحسن	۱۸۴	تهران	۱۲۰	
محمد مشیری	۱۸۵	تهران	۱۲۱	
بیژن هدا ش	۱۸۶	تهران	۱۲۲	
حمیدیلوری	۱۸۷	تهران	۱۲۳	
سهراب قاضی	۱۸۸	تهران	۱۲۴	
علاءالدین شرفحقیقی	۱۸۹	تهران	۱۲۵	
مرتضی حسینی الهی	۱۹۰	تهران	۱۲۶	
محمدرضا خاکسار	۱۹۱	تهران	۱۲۷	
سودابه بقاش	۱۹۲	تهران	۱۲۸	
الیه محبت فر	۱۲۹	تهران	۱۲۹	
لیلا بوالاخرار شیرازی	۱۳۰	تهران	۱۳۰	
رضا باقری	۱۳۱	تهران	۱۳۱	
اردشیر مهربان اشکی	۱۳۲	تهران	۱۳۲	
علی عبدالملکی زاده	۱۳۳	تهران	۱۳۳	
فریدکاوه	۱۳۴	تهران	۱۳۴	
مهدی کبیری	۱۳۵	تهران	۱۳۵	
محمدعلی حاجی	۱۳۶	تهران	۱۳۶	
داریوش سلحشور	۱۳۷	تهران	۱۳۷	
محمدطاهری	۱۳۸	تهران	۱۳۸	
لادن منتصرآبادی	۱۳۹	تهران	۱۳۹	
شهابلطیفی	۱۴۰	تهران	۱۴۰	
علی صفرابراهیمزاده	۱۴۱	تهران	۱۴۱	
غیاث قربان پور	۱۴۲	تهران	۱۴۲	
حسن احمدی	۱۴۳	تهران	۱۴۳	
محمدرضا شهنواز	۱۴۴	تهران	۱۴۴	
محمدحسین قربانی فردوسی	۱۴۵	تهران	۱۴۵	
احدقلی زاده	۱۴۶	تهران	۱۴۶	
خلیل حاجی با رحیمی	۱۴۷	تهران	۱۴۷	
رسول خلیفه ای	۱۴۸	تهران	۱۴۸	
احمدتهرمانی پور	۱۴۹	تهران	۱۴۹	
محمدمتواضع	۱۵۰	تهران	۱۵۰	
تقی آزادنگر	۱۵۱	تهران	۱۵۱	
اسما عیال اسماعیلزاده	۱۵۲	تهران	۱۵۲	
محمدعلی حاج بیگی	۱۵۳	تهران	۱۵۳	
حسن عدالتی	۱۵۴	تهران	۱۵۴	
بخشیا نوری	۱۵۵	تهران	۱۵۵	
احمدرضانی	۱۵۶	تهران	۱۵۶	
هوشنگ حدیدی	۱۵۷	تهران	۱۵۷	
سیدمحمد موسوی ماسولانی	۱۵۸	تهران	۱۵۸	
کرم لیا ش	۱۵۹	تهران	۱۵۹	
غلامرضا کاروردیان	۱۶۰	تهران	۱۶۰	
غلامعلی ماعدی	۱۶۱	تهران	۱۶۱	
احمدآقانداری	۱۶۲	تهران	۱۶۲	
ذات الله رهبر	۱۶۳	تهران	۱۶۳	
جوادمفید	۱۶۴	تهران	۱۶۴	
خبرالله رضانی	۱۶۵	تهران	۱۶۵	
داریاب کریمی	۱۶۶	تهران	۱۶۶	
مهدی شیرخدا	۱۶۷	تهران	۱۶۷	
سیدمحمدعلی حیوی	۱۶۸	تهران	۱۶۸	
حسین غلامی	۱۶۹	تهران	۱۶۹	
مهدی افتخاریلو	۱۷۰	تهران	۱۷۰	
حمیدرضا ساداتی	۱۷۱	تهران	۱۷۱	
منموریا سیمین خوشتری	۱۷۲	تهران	۱۷۲	
مصطفی شمس	۱۷۳	تهران	۱۷۳	
حسن علی بقال شوشتری	۱۷۴	تهران	۱۷۴	
عباس سمیعی	۱۷۵	تهران	۱۷۵	
بیژن سوداگری	۱۷۶	تهران	۱۷۶	
علی صمیمی	۱۷۷	تهران	۱۷۷	
کریمآبادی	۱۷۸	تهران	۱۷۸	
گیتی وفا ش	۱۷۹	تهران	۱۷۹	
جوادمقندی	۱۸۰	تهران	۱۸۰	
قربان مداح شیرازی	۱۸۱	تهران	۱۸۱	
فریبرزحاجی	۱۸۲	تهران	۱۸۲	
بهزاد صیف پوری	۱۸۳	تهران	۱۸۳	
علی محمد مطیما	۱۸۴	تهران	۱۸۴	
هاشم نوری	۱۸۵	تهران	۱۸۵	
حسین حاج علی	۱۸۶	تهران	۱۸۶	
زهرا قاسمی	۱۸۷	تهران	۱۸۷	
حبیب مالک	۱۸۸	تهران	۱۸۸	
محمدآقانداری	۱۸۹	تهران	۱۸۹	
محمدعلی هاشمی	۱۹۰	تهران	۱۹۰	
محمدعلی هاشمی	۱۹۱	تهران	۱۹۱	
محمدعلی هاشمی	۱۹۲	تهران	۱۹۲	
محمدعلی هاشمی	۱۹۳	تهران	۱۹۳	
محمدعلی هاشمی	۱۹۴	تهران	۱۹۴	
محمدعلی هاشمی	۱۹۵	تهران	۱۹۵	



# اسامی ۲۷ شهید و کشته در ارتش رژیم (در آذرماه) متواریان سنگان اعلام شد، شهاب‌الدین کوچکی از اعدام سنگان در این ماه هستند!

دستگاه آدمکشی رژیم در مدتی اخیر با شدت دست اندر کار و کشتن مبارزان و انقلابیون وطن ما است. کشتار در زیر شکنجه کشتار در محبسها و سایر محله‌ها و کشتار در زیر شکنجه اگر مجموع این کشتارها را در نظر بگیریم خواهم دید که به نسبت اشدت کشتار رگم نشده بلکه جنایات رژیم سرصودی داشته است. اما رژیم که تحت فشار افکار عمومی جهان تیان قرار دارد و در مواجهه با جنبش و نمودار کشته گویا اعدای اشدش افتاده و بسا دیگرانهای با اصطلاح انقلاب یا اذیت بیشتری کار خود را دنبال میکنند! اما اخبار رسیده از درون کشتارهای رژیم چنانستکارانه است که در ای از مقاومت و دردمندی دادگاهها و سردمداران آنها کم نشده و هر روز دهها مبارز در زیر شکنجه و یا بوسیله خورده‌های اعدام شهادت می‌بخشند و یا فرقی که کرده است که رژیم فقط اما می‌بخش از قربانیان خود را اعلام میکند. نمونه سازان اعدام مبارز دلیر مجتبی احمدی را ده سوه است که رژیم چنگا اعدام او را اعلام کرد. شبیه در صفحه ۱۹

# بخشنامه‌های محرمانه یعنی پیشبرد سیاستهای ضد خلقی دوران چشم خلق

رژیم هر چه ضد خلقی تر باشد، هر چه بیشتر منافعت در مقابل منافع خلق قرار بگیرد بیشتر مجبور به مخفی کردن اهداف و برنامها میشد. از خلق میگوید، از همسایگان روست که این روزها در کارخانه‌ها، مدارس، ادارات و... شاهد دوربخشنامه‌های محرمانه یکی پس از دیگری می‌باشیم. تا به رسائهای ادارات بهتر از زهرگسی دیگری به این مسئله واقف می‌باشند. بخشنامه‌های زیر یکی از هزاران بخشنامه‌های محرمانه است که رژیم در سراسر سر نیزه‌های دار در بر کارمندان زحمتکش تحصیل نماید. رژیم توسط این بخشنامه نیز عدول نماید. با زبانی توضیحی خود که با کسب از نده و به نحوی از آنجا حق کار کردن از آنها سلب شده ولی بخشی از حقوق خود را دریافت می‌کنند، مثلاً قبیل از موعدها زنده شده اند و اما ماه بینه خدمت شده اند، در صورتی حق دریافت حقوق و مزایای خود را از آنجا که خواهند داشت که تا شیدا راه با زمان متبوع خود را همراه داشته باشند. رژیم با این تاکتیک از سوتی سی دارد نیروهای را که تحت تعقیب هستند زمانی که برای دریافت حقوق خود مراجعه می‌کنند دستگیر نمی‌شوند و یا با آنها تندی گوناگون حقوق آنان را قطع کند. کاری که برطبق لایحه بازسازی قادر به انجام نرسد

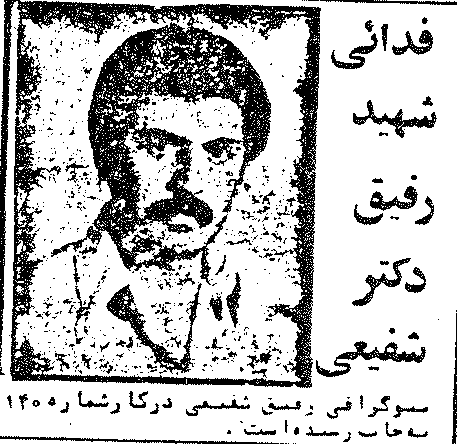
بهدار در میانه شهر  
۱۳۵۷/۱۲/۱۵  
سید  
حکومت کجاست و کجاست؟ اینها همسایگان و همکاران  
عزیزان من هستند که اینها همسایگان من هستند که اینها همسایگان من هستند  
چون با نگاه مردم با اینان من همسایگان من هستند.

و هم نیروهای به اصطلاح پاکساز شده‌ها در حقیقت اکثریت آنها نیروهای مبارز و انقلابی هستند در این اوضاع زایش تحت فشار قرار می‌دهد. ولی تاریخ هم نتوانسته که تساهل ثابت کرده، با رد دیگر نیز ثابت خواهد نمود که هیچ نیروی قادر نیست با چنین شیوه‌هایی مسیر تاریخ را عوض نماید و مانع رشد مبارزان شود و با بر روز انقلاب گردد.

# اخبار کردستان

به پیشمرگه‌ها نان و گوشت داده‌اند - پاسدارها آنها را تهنیت برموده‌اند. شب مردم به ده با زکشتند. تمام مردم با پیشمرگه‌ها همکاری می‌کنند، حزب دمکرات تقریباً هر شب به دهات سر می‌زنند و برای مردم صحبت می‌کنند و مردم را آموزش می‌دهند. دمکراتها چند نفری از اهالی دهی را به حرم جاسوسی دستگیر کرده بودند که پس از محاکمه ترسیده شده‌اند. این حرکت تا شیر منشی بر روی توده‌ها گذاشت و یک نفر جاسوس را اعدام کردند که مردم می‌گفتند حقش بود. زیاد امام امام می‌کرد. پاسدارها وقتی به ده شیخ آمده و آنجا را محاصره کردند، پیشمرگه‌ها در خانه‌های مردم موضع می‌گیرند، بعد از چند ساعت پاسدارها تا موفق با زمی کردند و وقتی می‌خواهند به سقر بیرونند متوجه میشوند که پاسدار رگم است و وقتی بدنیال آنها می‌گردند با جداهای آنها که با تیرونیل متلاشی شده بود مواجه میشوند، این عمل باعث رحمت تقیه میشوند بدون اینکه به جداها دست بزنند و فرار می‌کنند. او زخود یک ماشین تویوتا با یک تفنگ کالیبر ۵۰ به جای گذارند.  
کا میاران - ۶۰/۹/۱۶: بین راه - کا میاران - کرمانشاه، پاسداران یک مینی بوس حامل مسافر را مورد تیراندازی  
شبیه در صفحه ۱۸

۶۰/۱۰/۳ - از روز جمعه گذشته ۶۰/۹/۲۶ درگیری شدیدی بین پیشمرگان و مردم ازبک و پاسداران سرما به وجاشها و ارتش در گرفته. در مناطق اطراف کامیاران (تاشین و اواسانه) در تمام روزهای جمعه و شنبه منطقه بوسیله فانتومهای رژیم ضد خلقی به راکت بسته شده است. مگر ۳ مبولانهای حامل پاسداران - جاها و ارتشها در رفت و آمد بودند، جنگ تا ۶۰/۹/۳۰ ادامه داشت، تا تاریخ فوق یک پیشمرگه شهید و یکی زخمی و اسیر دشمن گردیده است.  
۶۰/۹/۱ - امروز یک ستون ارتشی از پادگان مراغه به طرف سوکان حرکت کرد. در طول تمام ستون ماشین‌ها به تیرباران. های کالیبر بزرگ مجهز بودند و وقتی از ارتشیان بر سیده‌نندگان که هواپیما - نداشتند آنها را برای چه میخواهند! ظاهر می‌داشتند که این تیربارانها بهترین وسیله برای تعقیب در کوهها می‌باشد زیرا تیرها با شش به محض اماست با زمین با هدف منفرجه میشوند که ترکش آن میتواند آنها را که در کوهها فرار می‌کنند از زمین ببرد.  
سفر کلیاتی - ۶۰/۹/۲۵: روز پنجمشبه در ده سقر کلیاتی از حضور مردم خیری نبود و وقتی از آنها سوال میشود - میگویند: مردها به کوه زده‌اند چون مردم



سوگرافی و مصغ شفیعی در کارشماره ۱۴۰ به چاپ رسیده است.

# رژیم جمهوری اسلامی حامی زمینداران دشمن دهقانان

قطعه‌نامه درباره گزارش  
کمیته عوقت مرکزی سازمان  
صفحه ۱۷

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد